

مقاومت و دیپلماسی نهضتی در گام دوم انقلاب: راهبرد و رهنگاشت

روح‌الله قادری کنگاوری^۱

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

یکی از پیشران‌های اصلی تحقق گام دوم انقلاب در عرصه سیاست خارجی، توجه به «دیپلماسی نهضتی» است. دیپلماسی نهضتی محصول باور به گفتمان مقاومت است و این گفتمان ریشه در نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری «لا تَطْلُمُونَ و لا تُطْلَمُونَ» دارد. لذا مقاومت حرکت جوهری سیاست خارجی و دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران است. مقاومت به‌مثابه الگوی بومی پیشرفت و اقتدار، هم «سازندگی» ایجاد می‌کند و هم «بازدارندگی». دیپلماسی نهضتی با «سلطه» و «اشغال» از یک طرف و «الحاد» و «تکفیر» از طرف دیگر به یک میزان مبارزه و مقابله می‌کند؛ یعنی مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل و همچنین مقابله با اسلام‌هراسی و افراط‌گرایی. دیپلماسی نهضتی با چنین روحیه و رویکردی، بستر ساز نهضت جهانی شعبانیه (اشاره به نیمه شعبان، سالروز میلاد امام عصر) و زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت، بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) و بسط عدالت جهانی است.

براین اساس باتوجه‌به واقعیات موجود و تاریخ منطقه، یکی از پیامدهای مهم پیروزی انقلاب اسلامی ایران مقابله با ترتیبات امنیتی و نظم سیاسی مطلوب امریکا در منطقه و تقابل با رژیم صهیونیستی و در نتیجه شکل‌گیری محور مقاومت با هدف ایجاد نظم نوین انقلابی در منطقه و جهان بوده است. از این رو محور مقاومت نه یک محور منطقه‌ای، که یک محور و مدار جهانی با حفظ وحدت و انسجام مستضعفان و مظلومان عالم است. لذا آرمان‌های انقلاب اسلامی قلب و ذهن هر انسان آزاده‌ای را به خود جذب کرده است؛ آرمان‌هایی که در هر دو بعد ایجابی (آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی، استقلال‌گرایی) و سلبی (امریکاستیزی، صهیونیسم‌ستیزی، وهابیت‌ستیزی در چهارچوب استکبارستیزی و ضدیت با نظام سلطه)، موتور محرک تمدن نوین اسلامی است.

هدف اصلی از ارائه این مقاله، تدوین رهنگاشت دیپلماسی نهضتی از گفتمان‌سازی و شبکه‌سازی و جریان‌سازی تا جنبش‌سازی و نظام‌سازی و تمدن‌سازی است و تلاش می‌شود

۱. مقاومت‌پژوه و دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه جامع امام حسین (ع)



یک مدل مفهومی جامع و همه‌جانبه‌نگر جهت کاربست ره‌نگاشت دیپلماسی نهضتی در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ترسیم و تبیین شود.

واژگان کلیدی

دیپلماسی نهضتی، سیاست خارجی، راهبرد، ره‌نگاشت، محور مقاومت.

مقدمه

از اهداف مهم و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران گسترش عدالت، نفی ظلم و ستم، حمایت از ستم‌دیدگان و مظلومان و نفی استکبار است. در این زمینه مسئله حمایت از مستضعفان در قبال مستکبران جهان بسیار بنیادین است و مورد توجه اساسی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بوده است؛ به طوری که ایشان چند ماه بعد از به ثمر رسیدن انقلاب، لزوم تأسیس حزب جهانی به نام «حزب جهانی مستضعفین»^۱ را مطرح کردند. این مسئله تحقق آرزوی دیرینه امام خمینی (ره) و البته ضرورت انکارناپذیر گام دوم انقلاب است که در سخنرانی عمومی قم مورخ ۲۶ مرداد ۱۳۵۸ تأکید کردند:

«روز قدس یک روز اسلامی است، و یک بسیج عمومی اسلامی بود؛ و من امیدوارم که این امر مقدمه باشد از برای یک «حزب مستضعفین» در تمام دنیا و من امیدوارم که یک حزب به اسم «حزب مستضعفین» در تمام دنیا به وجود بیاید، و همه مستضعفین باهم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است از میان بردارند، و قیام در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند، و ندای اسلام را و وعده اسلام را که حکومت مستضعفین بر مستکبرین است و «وراثت ارض» برای مستضعفین است متحقق کنند. تاکنون مستضعفین متفرق بودند، و با تفرقه کاری انجام نمی‌گیرد. اکنون که نمونه‌ای از پیوند مستضعفین در بلاد مسلمین تحقق پیدا کرد، این نمونه باید به یک سطح وسیع‌تری، در تمام قشرهای انسان‌های تاریخ، تحقق پیدا کند به اسم «حزب مستضعفین»، که همان «حزب الله» است و موافق اراده خدای تبارک و تعالی است که مستضعفین وارث ارض باید بشوند. ما از جمیع مستضعفین عالم دعوت می‌کنیم که باهم در «حزب مستضعفین» وارد بشوند، و مشکلات خودشان را با دست جمع و اراده مصمم عمومی رفع کنند؛ و هر مسئله‌ای که در هر جا و در هر ملتی پیش می‌آید

1. The Oppressed Global Party (O.G.P).



به‌وسیله «حزب مستضعفین» رفع بشود» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۲۸۴-۲۸۰).^۱
این مسئله در مقدمه قانون اساسی این چنین آمده است:

«قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان فراهم آید» (قانون اساسی ج. ۱، ۱۳۷۵).

براین اساس انقلاب به مثابه نهضت آمدام در حال حرکت می‌باشد و جمهوری اسلامی به‌عنوان موجودیت عینی، مولود و مولد انقلاب اسلامی است که میدان و شعاع عمل او در چهارچوب ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی تعریف می‌شود. لذا آرمان‌های انقلاب اسلامی قلب و ذهن هر انسان آزاده‌ای را به خود جذب کرده است؛ آرمان‌هایی که در هر دو بعد ایجابی (آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی، استقلال‌گرایی) و سلبی (امریکاستیزی، صهیونیسم‌ستیزی، وهابیت‌ستیزی در چهارچوب استکبارستیزی و ضدیت با نظام سلطه)، موتور محرک ملت‌سازی و دولت‌سازی است.

اساساً گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر پایه یک‌سری اصول و مبانی بنا شده است که این اصول و مبانی راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی قرار می‌گیرند. مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛ حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش؛ حمایت و دفاع از مسلمانان؛ احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی کشورها. لذا از اهداف مهم و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران گسترش عدالت، نفی ظلم و ستم، حمایت از ستم‌دیدگان و مظلومان و نفی استکبار است. در واقع انقلاب اسلامی ایران حمایت از تمام مستضعفان و مسلمانان و رهایی آنان از دست استکبار را در سرلوحه کار خود قرار داده و درصدد بوده است آن چیزی را که در ایران یعنی رهایی از سیطره قدرت‌های استکباری واقع شد، به دیگر کشورها منتقل و صادر کند. هدف انقلاب اسلامی ایران گسترش گفتمانی خود در سایر ملت‌های مسلمان و کشورهای منطقه است، که علاوه بر امنیت پایدار ملی، به ثبات و امنیت منطقه‌ای نیز کمک کند.

۱. جهت مطالعه متن کامل سخنرانی، ر. ک.

بنابراین نظام مظلوم اما مقتدر جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب قانون اساسی و آرمان‌های بلند و متعالی انقلاب اسلامی، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و دولت‌های حامی مقاومت را یکی از اهداف اصولی و بنیادی خود تعریف کرده است. لذا ضدیت و تقابل با رژیم غاصب صهیونیستی و دولت‌های وابسته در منطقه، یکی از آثار و پیامدهای طبیعی و منطقی سیاست راهبردی مذکور است که از طریق بسط گفتمانی و نظری مقاومت و دیپلماسی نهضتی در رأس سیاست خارجی نظام قرار گرفته است.

نظریه مقاومت و الهیات رهایی‌بخش

نگارنده در مقاله‌ای با عنوان «نظریه مقاومت در روابط بین‌الملل: رویکرد ایرانی-اسلامی نفی سیبل و برخورد با سلطه» در سال ۱۳۹۲ و سپس کتاب *نظریه مقاومت و نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل* در سال ۱۳۹۴ نظریه مقاومت^۱ را برای اولین بار در کشور مطرح و تئوریزه کرده است.

واژه مقاومت برگرفته از فعل ثلاثی مجرد «قَامَ» به معنای به‌پا خاستن و برخاستن و نیز پایدار ماندن است. این واژه بر وزن مفاعله و به معنای با کسی باهم برخاستن یا باهم از جا بلند شدن و با کسی ضدیت کردن و نیز ایستادگی و پایداری کردن است. در فرهنگ‌های لغت عربی چهار کاربرد برای این واژه آورده شده است:

۱. قَاوَمَ اَعْدَاءَ يَلَادِهِ: نَاضَلَ ضِدَّهُمْ، عَارَضَهُمْ بِالْقُوَّةِ؛ بر ضد آنان مبارزه کرد؛
۲. ظَلَّ يَقَاوِمُ الْمَرَضَ: يَصَارِعُ الْمَرَضَ، يُوَاجِهُهُ؛ در برابر بیماری مقاومت و ایستادگی کرد؛
۳. قَاوَمَهُ فِي الْمَصَارَعَةِ: غَالَبَهُ؛ بر او چیره شد؛
۴. قَاوَمَهُ فِي حَاجَةٍ: قَاوَمَ مَعَهُ فِيهَا؛ در نیازی با او مجادله و محاجه کرد.

بنابراین معنای غالب در واژه مقاومت، ایستادگی و مقاومت کردن در برابر چیزی است که توازن و تعادل را بر هم زده است؛ خواه این عامل درونی باشد مانند امیال نفسانی یا بیرونی، مانند بیماری یا تجاوز و اشغالگری. در علم صرف عربی آمده است که دو باب «مفاعله» و «تفاعل» برای مشارکت کاربرد دارد که اولی مشارکت یک‌طرفه و دومی مشارکت دوطرفه را می‌رساند. نکته قابل توجه در فعل «قَامَ» این است که آن فعل تنها در باب مفاعله کاربرد دارد؛ زیرا پایداری و مقاومت زمانی به‌کار می‌رود که یک طرف به دلایلی بر طرف دیگر غالب شود

1. Resistance Theory.



و متکی بر یک‌سری مبانی محکم اعتقادی و عقلانی جهان‌شمول از جمله نظام سلطه و سلطه‌گری، قاعده نفی سبیل، حق تعیین سرنوشت، جهاد و حق دفاع مشروع است (قادری کنگاوری، ۱۳۹۸: ۴۲-۷۲).

مقاومت از یک منظر، مبتنی و متکی بر «الهیات رهایی‌بخش» و «رنج متعالی» است و این الهیات بخشی از مبانی فلسفی و کلامی گفتمان مقاومت، استراتژی نهضتی و دیپلماسی نهضتی را تشکیل می‌دهد. الهیات رهایی‌بخش تفسیری از الهیات دینی است که بر آزادسازی ملل مستضعف، مظلوم و تحت ستم سراسر جهان تأکید می‌کند. (Ghaderi Kangavari, 2017 and 2018). الهیات رهایی‌بخش یا آزادی‌بخش^۱ به‌عنوان بحث جدید در حوزه الهیات، بر این اساس استوار است که خداوند می‌خواهد تمام ابعاد انسان نجات یابد، نه فقط بُعد روحی او (توماس، ۱۳۸۷: ۱۲۸). در واقع این اصطلاح به لحاظ نظری به هر الهیاتی اطلاق می‌شود که شرایط ظالمانه را مخاطب قرار دهد یا با آن دربیفتد. اما در عمل این اصطلاح برای اشاره به شکل کاملاً متفاوتی از الهیات به‌کار می‌رود که ریشه در اوضاع و احوال امریکای لاتین در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دارد. در سال ۱۹۶۸ اسقف‌های کلیسای کاتولیک در امریکای لاتین در همایشی که با علامت اختصاری CELAM II در مدلین^۲ کلمبیا شناخته می‌شود، ضمن اعتراف به اینکه تاکنون کلیسا در این منطقه معمولاً جانب دولت‌های ظالم را گرفته است، اعلام کردند که از این به بعد کلیسا جانب تهی‌دستان را خواهد گرفت (آلیستر، ۱۳۸۴: ۲۳۰-۲۳۱). در چنین شرایطی، نهادهای حاکمیتی با سوءاستفاده از آموزه‌های مسیحیت کلاسیک، سعی در توجیه شرایط موجود یعنی دو مسئله استعمار خارجی و استبداد داخلی به نفع خود داشتند و این دولت‌ها که معمولاً دست‌نشانده استعمارگران کهنی مانند اسپانیا، پرتغال، انگلیس و بعضاً آمریکا بودند، با کلیسای کاتولیک رم ارتباطات خوبی داشتند و به شکل‌های مختلف می‌کوشیدند از آموزه‌ها و تئوریه مذهبی کلیسای کاتولیک برای حفظ وضع موجود استفاده کنند.

در این رهیافت عدالت پیش‌فرض و پیش‌نیاز ایمان و معنویت است. نهاد کلیسا موظف است همچنان‌که عیسی مسیح (ع) با نابرابری و تبعیض مبارزه می‌کرد، دست از انفعال و بی‌توجهی بردارد و در جهت توسعه عدالت و برابری و رفع محرومیت و نابرابری بکوشد و

1. Liberation theology.

2. Medellin.



مسیحی راستین با همه ابعاد تبعیض و نابرابری و بردگی انسان مبارزه کند. در اینجا آزادی نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. اساساً هدف این گفتمان آزادسازی جامعه از استعمارگران خارجی و حکومت‌های خودکامه داخلی بود که هر دو پشت مسیحیت کلاسیک و الهیات و حیانی کلیسای کاتولیک سنگر گرفته بودند (عبائی، ۱۳۹۰).

محورهای اساسی الهیات‌رهایی‌بخش در امریکای لاتین به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:
۱. الهیات‌رهایی‌بخش به افراد تهی‌دست و ستم‌دیده توجه دارد. در اوضاع و احوال امریکای لاتین، کلیسا هوادار تهی‌دستان است و همه الهیات و رسالت مسیحی باید با نگاه از پایین و توجه به آلام و دردهای تهی‌دستان آغاز شود، به دلیل اینکه خداوند به‌روشنی و بی‌هیچ تردیدی جانب تهی‌دستان را گرفته است (آلیستر، ۱۳۸۴: ۲۳۱). هدف الهیات‌رهایی‌بخش، تغییر دادن ایدئولوژی‌های خودکامه است که برخی اوقات سلطه و استثمار را به نام خدا توجیه می‌کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۷: ۷۷)؛

۲. الهیات‌رهایی‌بخش تأملاتی انتقادی در مسائل عملی دارد. در این تفکر، الهیات جدای از استلزام‌های اجتماعی یا کنش سیاسی نیست و نباید هم چنین باشد. الهیات باید از تبیین کردن جهان بازایستد و دگرگون کردن آن را آغاز کند. شناخت خدا هرگز بی‌طرفانه نیست، بلکه در تعهد به آرمان تهی‌دستان و از طریق آن حاصل می‌شود. در واقع این دیدگاه جنبش روشنگری که تعهد مانعی بر سر راه شناخت است، در الهیات‌رهایی‌بخش از اساس مردود است (آلیستر، ۱۳۸۴: ۲۳۲)؛

۳. برخلاف رهیافت الهیات و حیانی که مسیح(ع) را نجات‌دهنده روح انسان معرفی می‌کرد، الهیات‌رهایی‌بخش بر این رهیافت تأکید می‌کرد که خداوند با ارسال فرستاده‌اش، حضرت مسیح(ع)، تنها درصدد نجات روح انسان نبود، بلکه می‌خواست انسان را در تمام ابعاد یعنی روح و جسم توانمند نجات دهد. نجات و رستگاری انسان از فقر، محرومیت، تبعیض و نابرابری، گرسنگی و همه فسادها و مظالم اجتماعی هدف خداوند بوده است. لذا این آموزه که خداوند مؤمنان واقعی را با فقر و تحمل رنج و بدبختی می‌آزماید، در الهیات‌رهایی‌بخش کاملاً مردود و بی‌اساس تلقی می‌شود. در این گفتمان دینی، خداوند سعادت و خوشبختی همه انسان‌ها و همچنین مؤمنان را خواسته و این مهم تنها با تلاش و مجاهدت و اراده انسان‌های محروم امکان‌پذیر است (عبائی، ۱۳۹۰).



ناگفته نماند که برخی طلاب و حوزویان حوزه‌های علمیه ایران مطلع از جریان فکری جهان مسیحیت، درصدد توسعه ارتباطات با رهبران الهیات‌رهای بخش بوده‌اند. مواضع همدلانه رهبران این جنبش فکری-مذهبی با مواضع استکبارستیزانه جمهوری اسلامی نیز قابل تأمل است. شاید به همین دلیل باشد که دستگاه دیپلماسی کشور ما در طول دوران بعد از انقلاب، نگاهی مثبت به امریکای لاتین داشته است.

جایگاه مقاومت در اسناد بالادستی

در این بخش به بررسی جایگاه و موقعیت مقاومت از منظر قرآن، کلام امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای حفظه الله و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

۱. جایگاه مقاومت در قرآن

مقاومت از دیدگاه قرآن، کوششی برای بازگرداندن چیزی به حالت طبیعی خود است. به دیگر سخن، هرگاه دو طرف وجود داشته و یک طرف در تلاش برای تسلط بر دیگری باشد، در این حالت مقاومت پدید می‌آید تا تعادل و توازن را که اساس زندگی بشر است برقرار کند. با این تعریف، مفهوم مقاومت شمولی عام می‌یابد و هر حرکتی که برای بازگرداندن طغیانگر یا متجاوز به توازن و اعتدال انجام شود مقاومت نام می‌گیرد. مقاومت از دیدگاه قرآن، مفهومی متداول و برگرفته از معنای ایمانی و شرعی و معروف به نام «جهاد» است که می‌توان معنای حقیقی آن را در سخن خدای متعال خطاب به پیامبر اکرم (ص) یافت: «وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان: ۵۲). قرآن دو رکن اساسی را برای مقاومت برمی‌شمارد:

۱. ایمان راسخ و عمیق: هرکس به چیزی ایمان ژرف و بی‌شائبه داشته باشد، بدون تردید در راه آن جان‌فشانی می‌کند و از همه چیز خود برای رسیدن به آن می‌گذرد. براین اساس مقاومت زمانی پدید می‌آید که ایمان و عقیده در دل‌ها محکم و استوار شود. به همین دلیل پیامبر اکرم (ص) در مکه معنای ایمانی را در دل مسلمانان ریشه‌دار گرداند و چون آنان به ایمانی عمیق رسیدند، توانستند رعب و وحشت را در دل دشمنان بیفکنند و تمام سختی‌ها را تحمل کنند. نمونه کامل این مقاومت را می‌توان در شعب ابوطالب یافت؛ آنجا که یاران پیامبر با تحمل دشواری‌ها توانستند در برابر مشکلات و مصائب آن دوران مقاومت کنند و



سرانجام به پیروزی دست یابند (بقره: ۱۲۸؛ انفال: ۷۲؛ توبه: ۲۰)؛^۱

۲. استفاده از تمام توان مادی: اگر انسان به یقین برسد، ولی اسباب و وسایل لازم برای مقاومت را مهیا نسازد، کامیاب نمی‌شود. پس انسان می‌باید تمام توانایی‌های بشری خود را به کار گیرد تا به واسطه آنها بتواند در این مسیر پیروز شود. خداوند متعال هرگاه از ابزار مقاومت سخن می‌گوید واژه «مال» را مقدم بر نفس می‌داند و این خود دلیل بر آن است که هنگام مقاومت باید از مال خود گذشت و از آن در راستای جهاد در راه خدا استفاده کرد (حدید: ۲۵؛ آل عمران: ۱۴؛ انفال: ۶۰؛ نحل: ۸؛ اسراء: ۶۴؛ حشر: ۶؛^۲ میرقادی و کیانی، ۱۳۹۱: ۷۳).

۱. «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمَنْ ذُرِّيَّتَنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (بقره: ۱۲۸)؛ پروردگارا، دل ما را تسلیم فرمان خود گردان و فرزندان ما را نیز امتی تسلیم و رضای خود بدار، و راه پرستش و طاعت را به ما بنما و بر ما اوظیفه بندگی را سهل و آسان گیر، که تویی توبه‌پذیر و مهربان.»
«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجَرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجَرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (انفال: ۷۲)؛ آنان که به خدا ایمان آوردند و از وطن خود هجرت کردند و در راه خدا با مال و جانشان کوشش و فداکاری کردند (یعنی مهاجران مکه) و هم آنان که ابه مهاجران منزل دادند و یاری کردند (یعنی انصار مدینه)، آنها دوستدار و مددکار یکدیگرند و انهایی که ایمان آورده‌اند، لیکن مهاجرت نکرده‌اند، هرگز شما دوستدار و طرفدار آنها نباشید تا وقتی که هجرت گزینند، ولی اگر از شما در کار دین و پیشرفت اسلام مدد خواستند، بر شماست که آنها را یاری کنید، مگر آنکه با قومی که با شما عهد و پیمان (مسالمت) بسته‌اند به‌خصوصت برخیزند و خدا به هرچه می‌کنید بیناست.»
«الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةٍ عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (توبه: ۲۰)؛ آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند، آنها را نزد خدا مقام بلندتری است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادتمندان دو عالم‌اند.»

۲. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (حدید: ۲۵)؛ همانا ما پیمبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند، و آهن او دیگر فلزات را که در آن هم سختی اجنگ و کارزار و هم منافع بسیار بر مردم است نیز برای حفظ عدالت آفریدیم، و تا معلوم شود که خدا و رسولش را با ایمان قلبی که یاری خواهد کرد؟ [هرچند] خدا بسیار قوی و مقتدر از یاری خلق بی‌نیاز است.»
«زَيْنَ النَّاسِ حَبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالنَّبِيِّينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (آل عمران: ۱۴)؛ مردم را حب شهوات نفسانی، از میل به زن‌ها و فرزندان و همیان‌هایی از طلا و نقره و اسب‌های نشان‌دار نیکو و چهارپایان و مزارع در نظر زیبا و دل‌فریب است، لیکن اینها متاع زندگانی [فانی] دنیاست و نزد خداست منزل بازگشت نیکو.»

«وَأَعَدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ لِيَعْلَمَهُمُ اللَّهُ يَغْلِبُهُمْ وَ مَا تَفَفَّقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تظَلَمُونَ (انفال: ۶۰)؛ و در برابر آنها آنچه توانستید از نیروی انسانی، سلاح‌های روز و هزینه نبرد و اسبان بسته و آماده‌شده (وسایط نقلیه مناسب) آماده سازید که بدین وسیله دشمن خدا و دشمن خود و دشمنان دیگری را غیر آن‌ها که شما آنها را نمی‌شناسید، خداوند آنها را می‌شناسد بترسانید؛ و هر چیزی که در راه خدا اتفاق کنید [در روز جزا] به‌طور کامل به شما داده خواهد شد و بر شما هرگز ستم نمی‌رود (از حقتان کاسته نمی‌شود).»
«وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لَتَرَكِبُنَّهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (نحل: ۸)؛ و اسبان و استران و خران را برای سواری و تجمل شما آفرید و چیز دیگری هم که شما هنوز نمی‌دانید [برای سواری شما] خواهد آفرید.»

«وَأَسْتَفِزُّنَ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِضَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجُلِكَ وَشَارِكِهِمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (اسراء: ۶۴)؛ ابرو و هر که را توانستی با آواز خود تحریک کن و به لغزش افکن، و با جمله لشکر سوار و پیاده‌ات بر آنها بتاز و در اموال و اولاد هم با ایشان شریک شو و به آنها وعده‌های دروغ و فریبنده‌ا بده، و ای بندگان بدانید که ما وعده شیطان چیزی جز غرور و فریب نخواهد بود.»

«وَمَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِمَّا أَوْفَقْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (حشر: ۶)؛ و آنچه را که خدا از اموال آنها به رسم غنیمت به رسول خود باز داد [متعلق به رسول است؛ زیرا] شما سپاهیان اسلام بر آن هیچ اسب و شتری نداشتید، ولیکن خدا رسولانش را بر هر که خواهد مسلط می‌گرداند و خدا بر هر چیز تواناست.»



بنابراین مقاومت از اصول اولیه‌ای است که انبیای الهی بدون بهره‌مندی از آن، هرگز موفق به انجام رسالت خویش نمی‌شدند؛ تا آنجا که خداوند درباره ایشان می‌فرماید: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب: ۳۹).^۱ خداوند متعال به یکتاپرستان پایدار بر توحید، بشارت بهشتی را می‌دهد که در روز واپسین، استقامت‌ورزان در مسیر حق، از نعمت‌های آن بهره‌مند خواهند شد: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰).^۲

از دیدگاه قرآن، هدف اصلی مقاومت، ایجاد تعادل و توازن در انسان و جامعه انسانی است، و جز موارد یادشده، این اهداف را می‌توان برای آن برشمرد:

- تقویت روحیه ایثار و فداکاری؛
 - حفظ کرامت و عزت نفس؛
 - حفظ وحدت و همدلی بین افراد جامعه؛
 - اجرای حق و عدالت و نابودی باطل و کفر؛
 - حفظ عزت اجتماعی و ریشه‌کن کردن فساد؛
 - هموار کردن راه‌های پیشرفت انسان‌ها به سوی معبود؛
 - حفظ استقلال وطن و جلوگیری از اشغال آن و دفع خطرهای تهدیدهای دشمن؛
 - دفاع از مظلومان و مقاومت در برابر ستمگران و تجاوزگران و اشغالگران.
- یکی از شرط‌های مقاومت در قرآن، اراده تغییر همراه با آگاهی و بیداری است. اصلاح امور با «يقظه» (هوشیاری) شروع می‌شود و این يقظه و بیداری از مقدمات و لوازم مقاومت قرآنی به‌شمار می‌آید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱). این آیه تصریح دارد که سرنوشت اقوام به دست خودشان تغییر می‌کند. اگر اراده تغییر در قومی پدید آمد یا نسبت به امور جامعه و تغییر آن آگاهی پیدا کردند، می‌توانند در سرنوشت خویش مؤثر باشند. در این صورت، مقاومت می‌تواند یکی از راه‌های تغییر باشد (میرقادی و کیانی، ۱۳۹۱: ۷۷-۷۸). فطری بودن، مقاومت در برابر عناصر منفی، فراگیری و همه‌جانبه بودن،

۱. «[این سنت خداست در حق] آنان که تبلیغ رسالت خدا کنند و از خدا می‌ترسند و از هیچ‌کس جز خدا نمی‌ترسند و خدا برای حساب به‌تنهایی کفایت می‌کند.»

۲. «درحقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند] هان بیم‌مدارید و غمین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.»



اصالت دفاع در مقاومت، هدف‌دار و منظم بودن، شرعی بودن، دائمی بودن و قدسی بودن مقاومت از ویژگی‌های مقاومت در قرآن است (همان: ۷۸-۸۲).

مقاومت در دین اسلام ریشه در کلام الهی دارد. در آیه ۱۱۲ سوره مبارک هود، «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»، آمده است: «پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن؛ و همچنین کسانی که با تو به سوی خدا آمده‌اند باید استقامت کنند.» بر این اساس، برای مقاومت آمادگی همه‌جانبه لازم است. این‌گونه است که وقتی آیه «فاستقم كما امرت ومن تاب معك» بر رسول گرامی اسلام (ص) نازل شد، فرمودند که آیه ۱۱۲ سوره هود مرا پیر کرد.

از منظر قرآن کریم، مقاومت در برابر استکبار قرار می‌گیرد که منشأ ظلم، فساد و طغیان در برابر خدا و خلق خدا محسوب می‌شود و از آن با عناوین طغیانگری (فرقان: ۲۱)^۱، تبهکاری (یونس: ۷۵)^۲، موجد استضعاف (قصص: ۱۷)^۳ و استحقاق مجازات (اعراف: ۴۸)^۴ یاد می‌شود. استقامت و مقاومت حضرت ابراهیم (ع) در برابر ظلم و ستم دستگاه استبداد و استکبار، سرگذشت یعقوب (ع) و استقامت و در حزن و فراق فرزندش یوسف (ع)، سرگذشت حضرت موسی (ع) ضد ساحران و دستگاه جبار فرعون، سرگذشت هجرت جوانمردان کهف به غار و استقامت سپاهیان طالوت در مقابل جالوت نمونه‌های قرآنی مقاومت‌اند.

۲. جایگاه مقاومت در کلام امامین انقلاب اسلامی

مقاومت در اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) و رهبر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. برای شناختن گفتمان مقاومت بدون عبور از مسیر منظومه فکری بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و رهبر انقلاب نمی‌توان به تعریفی واقعی رسید. امام خمینی (ره) در کتاب *تحریر الوسيله*

۱. «وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَايِكَةُ أَوْ نُنزِلُ رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًا كَبِيرًا؛ و آنان که امید لقای ما را ندارند او به قیامت معتقد نیستند! گویند: چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند یا چرا ما خدا را به چشم نمی‌بینیم! آتا در ایمان به رسول محتاج نباشیم! همانا آنان در حق خویش راه تکبر و نخوت پیش گرفتند و به سرکشی و طغیانی شدید شتافتند.»

۲. «ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمُ مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ؛ آن‌گاه بعد از آن رسولان، موسی و هارون را با معجزات خود به سوی فرعون و اشراف مملکت او فرستادیم، آنها هم گردنکشی کردند و مردمی تبهکار بودند.»

۳. «قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ؛ موسی باز گفت: ای خدا، به شکرانه این نعمت (نیرو) که مرا عطا کردی من هم بدکاران را هرگز یاری نخواهم کرد.»

۴. «وَنَادَى أَصْحَابَ الْأَعْرَافِ رَجُلًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تُسْتَكْبِرُونَ؛ و اهل اعراف مردانی را که به سیمایشان می‌شناسند آواز دهند و گویند: [دیدید که] جمع مال و جاه و آن فخر و تکبرتان به حال شما اصلا سودمند نبود.»

با تمسک به قاعده قرآنی نفی سییل، تحقق آن را در شرایط مقاومت محقق شدنی می‌دانند: «اگر روابط تجاری با کفار موجب ترس بر حوزه اسلام شود، ترک این روابط بر تمام مسلمانان واجب می‌شود. در اینجا فرق میان استیلائی سیاسی یا فرهنگی دشمن وجود ندارد. اگر روابط سیاسی که بین دولت‌های اسلام و دول بیگانه بسته می‌شود و برقرار می‌گردد، موجب تسلط کفار بر نفوس و بلاد و اموال مسلمانان شود، یا باعث اسارت سیاسی اینها گردد، برقراری روابط حرام است و پیمان‌هایی که بسته می‌شود باطل است» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸).

تأکید ایشان بر «سیاست نه شرقی نه غربی» با نفی سییل و طرد استیلاجویی امپریالیسم و سوسیال‌امپریالیسم و نیز بر مبنای بینش دینی ایشان در عدم پذیرش حمایت تمام قدرت‌ها به‌جز قدرت خداوند تبارک و تعالی بود. رابطه با دنیای خارج، دقیقاً بر اساس قوانین اسلام، تمسک به آیات قرآنی و شرایطی است که برای حدود و رابطه و مودت درباره بیگانگان تعیین شده است.

از این‌روست که امام خمینی (ره) مقاومت در سطح جهانی را مورد توجه قرار داده و به تشکیل هسته مقاومت در جهان و بسیج سربازان اسلام تأکید و تصریح کرده‌اند: «بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست. باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۱۹۵). «جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادی‌مان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم» (همان: ۸۸).

منطق غالب در ساختار گفتمان امام خمینی (ره)، ساختاری دوجوهی از اندیشه و کنش را فراروی ما قرار می‌دهد که در آن مبانی ایدئولوژیک و منافع ملی، هرچند با جایگاه متفاوت، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. مقاومت در اندیشه امام و رهبر در دوگانه مستضعف - مستکبر تبلور یافته است. جهان‌بینی امام خمینی (ره) بر جنگ قدرت میان مستضعفان و مستکبران بنا نهاده شده است. از دید امام خمینی (ره)، جهان همواره صحنه نبرد دو جبهه حق و باطل بوده است که از آن به‌عنوان نهضت یاد شده است. به باور ایشان، باید در تمام عالم نهضت مستضعف در مقابل مستکبر گسترده شود. ایشان با تأکید بر مقاومت در برابر جبهه باطل و استکبار معتقدند: «من امیدوارم که یک حزب به اسم مستضعفین در تمام دنیا به وجود بیاید



و همه مستضعفین باهم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی را که بر سر راه مستضعفین است از میان بردارند و در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب قیام کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین به مستضعفین عالم ظلم کنند» (موسوی خمینی، ۱۳۶۶: ۱۸۵). باید هسته‌های مقاومت را در تمام جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۱۹۵). ما اگر قدرت داشته باشیم، تمام مستکبران را از بین خواهیم برد (همان، ج ۶: ۴۹۹).

بنابراین مقاومت از نظر امام خمینی (ره) و نظام اسلامی که اکنون پرچم‌دار آن مقام معظم رهبری هستند، دارای مبانی دینی، قرآنی و اسلامی است. در واقع رفتن به سمت مقاومت، امتثال امر الهی است؛ بدین منظور که بر اساس دستور الهی، باید به سمت مقاومت حرکت کرد؛ چراکه همه ادیان آسمانی و تمام پیامبران، یک پیام واحد برای بشر دارند و آن این است که انسان‌ها باید خدا را بندگی کنند و از طاغوت بپرهیزند. اگر بخواهیم با چنین نگاهی به پیامبران و پیام‌واحدشان مسئله مقاومت را درک کنیم، باید به دو واژه قرآنی استکبار و استضعاف توجه کنیم. استکبار به جریان و سیستمی گفته می‌شود که ضمن «خودبرترپنداری»، تمام تلاش خود را به کار می‌بندد تا دیگران را تحت سلطه خویش قرار دهد. در این زمان، قرآن کریم امر به مبارزه با استکبار می‌کند و اعلام می‌دارد استکبار همان طاغوت است. مردمی که با استکبار مواجه می‌شوند، به دو دسته تقسیم می‌گردند: گروهی تن به ذلت و سازش می‌دهند و گروهی دیگر دست به مقاومت می‌زنند. خداوند آنان را که جلو ستمکاران می‌ایستند مؤمنان واقعی می‌داند که همچون پیامبر (ص) با کافران و مستکبران شدید هستند، اما در جبهه خود از رحمانیت برخوردارند. به این موضوع در آیه ۲۱ سوره فتح اشاره شده است.^۱

به این ترتیب استکبارستیزی شاه‌کلید آرمان‌های انقلاب اسلامی است؛ مسئله‌ای مهم و راهبردی که رهبر معظم انقلاب بر تعطیل‌ناپذیری آن عقیده دارند و در دیدار با جمعی از دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۰ می‌فرمایند: «مبارزه با استکبار و نظام سلطه بر اساس مبانی قرآنی، هیچ‌گاه تعطیل‌پذیر نیست و امروز امریکا کامل‌ترین مصداق استکبار است. ... مبارزه با استکبار جزء مبانی انقلاب و از کارهای اساسی است. بنابراین، خودتان را برای ادامه مبارزه با استکبار آماده کنید» (<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1145>).

۱. «وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا؛ و خدا به شما باز وعده غنیمت‌های دیگری فرموده که هنوز بر آن قادر نیستید و علم خدا محیط بر آن است؛ و خدا بر هر چیز تواناست.»

از این رو از نظر امام خمینی (ره)، با وجود سلطه طلبان و مستکبران، مستضعفان به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی‌رسند^۱ (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۱۴۴). پس باید تلاش ویژه کنند.

امام خامنه‌ای در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۱۲ در باب استکبار می‌فرماید:

«مقابله ملت ما با استکبار ریشه دینی هم دارد. کلمه استکبار و مستکبر و درمقابلش استضعاف و مستضعف، در قرآن است. استکبار یعنی چه؟ استکبار یک تعبیر قرآنی است. در قرآن کلمه استکبار به کار رفته است. آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر، یعنی آن کسانی و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسان‌ها و ملت‌های دیگر را دارد، در همه کارهای آنها مداخله می‌کند برای حفظ منافع خود، خود را آزاد می‌داند، حق تحمیل بر ملت‌ها را برای خود قائل است، حق دخالت در امور کشورها را برای خود قائل است. پاسخ‌گو هم به هیچ‌کس نیست. این معنای مستکبر است. ... نقطه مقابل این جبهه ظالم و ستمگر، گروهی هستند که با استکبار مبارزه می‌کنند. مبارزه با استکبار یعنی چه؟ یعنی در درجه اول زیر بار این زورگویی رفتن. معنای استکبارستیزی یک چیز پیچ‌وخم‌دار پیچیده‌ای نیست. استکبارستیزی یعنی یک ملتی زیر بار مداخله‌جویی و تحمیل قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرود. این معنای استکبارستیزی است» (<http://farsi.khamenei.ir/>).

پرواضح است که مسئله مقاومت در برابر ظالم و مستکبر، حرکتی است با منشأ قرآنی و کسانی که در برابر ظالم مقاومت می‌کنند امر خداوند را اطاعت می‌کنند. نکته کلیدی مقاومت، نه گفتن به کسی است که قصد اعمال سلطه دارد. مقاومت اگر الهی و تحت عنوان بندگی خدا باشد، نصرت الهی شامل حال آن خواهد شد؛ ولو که تعدادشان قلیل بوده، در وضعیت ضعف باشند. این نکته‌ای است که خداوند متعال در جنگ بدر به مؤمنان متذکر می‌شود: «وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ» (انفال: ۲۶). لذا مقاومت کلیدی است برای رساندن انسان به عزت، و اگر این مهم نباشد، باید تن به خفت داد. در اسلام این مبارزه، «جهاد» نام دارد.

۱. اشاره به آیه پنج سوره قصص: «وَأَنْتُمْ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَّعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجَّعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.»



۳. جایگاه مقاومت در قانون اساسی

طبق اصول روشن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برآمده از مبانی قرآنی و توحیدی است حمایت از مسلمانان، مستضعفان و مظلومان عالم در برابر قدرت‌های مستکبر یکی از اصول مسلم سیاست خارجی است. از آنجاکه جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) که انقلابی در راستای اهداف پیامبران است همواره یکی از مهم‌ترین اهداف و اصول آن حمایت از مستضعفان عالم است که به‌عنوان نهضت مستضعفان نیز معروف است. قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمام مستضعفان بر مستکبران بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه امت واحده را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمام جهان قوام یابد. با توجه به مبانی اسلامی و اصول یادشده در قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی خود را موظف به حمایت از حقوق همه انسان‌ها، خصوصاً مسلمانان و مستضعفان جهان می‌داند.

در ذیل به برخی از اصول مهم قانون اساسی درباره نفی سلطه و حمایت از مستضعفان جهان در چهارچوب نظام معنایی مقاومت اشاره می‌شود. طبقاً این حمایت می‌تواند مفهومی گسترده را شامل شود که از ارسال سلاح و اعزام قوا تا تقدیم عواطف و ابراز احساساتی صمیمانه و دوستانه و نصیحتی مشفقانه به مظلومان در جهت همدردی یا گفت‌وگویی با ظالمان در جهت احقاق حقوق محرومان را در بر می‌گیرد (ایزدی، ۱۳۸۱: ۱۳۷):

بند ج اصل ۲ قانون اساسی: «نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و هم‌بستگی ملی را تأمین می‌کند»؛

بند ۱۶ اصل ۳ قانون اساسی: «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان»؛



اصل ۱۱ قانون اساسی: «به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون»، همه مسلمانان يك امت اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد»؛

اصل ۱۴ قانون اساسی: «به حکم آیه شریفه «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین»، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف اند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند»؛

بند ۸ اصل ۴۳ قانون اساسی: «جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور»؛
اصل ۱۵۲ قانون اساسی: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است»؛

اصل ۱۵۳ قانون اساسی: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است»؛

اصل ۱۵۴ قانون اساسی: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند».

راهبردهای دیپلماسی نهضتی

دولت جمهوری اسلامی ایران بر اساس هنجارهای هویتی و هستی شناسانه عدالت خواهی و ظلم ستیزی، در سایه حمایت از مستضعفان و مظلومان جهان برای خود نوعی رسالت و مأموریت الهی رهایی بخشی قائل است و می کوشد نیروهای مقاومت را در برابر نظام سلطه اعم از سلطه گران و سلطه پذیران متحد و یک پارچه کند؛ چراکه هویت حقیقی و حرکت



جوهری جمهوری اسلامی را در استمرار حرکت انقلاب اسلامی می‌داند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر لزوم توجه به مسائل جهانی به‌ویژه حمایت از مردم و ملت‌های تحت ستم در سطح جهان تأکید شده است؛ زیرا همه این قوانین بر پایه موازین و ارزش‌های اسلام و قرآن تهیه شده است و موازین اسلام در چهارچوب مرزهای يك کشور نمی‌گنجد، بلکه متعلق به همه جهان است. در مقدمه قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی باتوجه به محتوای انقلاب اسلامی که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان فراهم آید» (قانون اساسی ج. ۱، ۱، ۱۳۷۵: ۱۵).

مسلم است که دیپلماسی نهضتی بدون راهبرد و رهنگاشت مدون، جامع و اجماعی هرگز، نه می‌تواند گفتمان واحدی در حوزه مقاومت در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور ایجاد نماید و نه می‌تواند مجموعه ظرفیت‌های کلان کشور را در خدمت مقاومت قرار دهد. لذا باتوجه به اینکه اهداف و آرمان جهانی انقلاب اسلامی بدون تدوین راهبرد و رهنگاشت نهضتی در چهارچوب گفتمان مقاومت امری غیرممکن و غیرمنطقی به نظر می‌رسد، در این بخش تلاش می‌شود این مسئله مهم بررسی و واکاوی شود.

راهبرد و رهنگاشت نهضتی^۱ که می‌توان در قالب حضور مادی افقی و نفوذ معنوی عمودی^۲ خلاصه کرد، دارای چهار سناریوی متفاوت است:

۱. حضور و نفوذ (بهترین سناریو)؛

۲. نه حضور و نه نفوذ (بدترین سناریو)؛

۳. حضور بدون نفوذ؛

۴. نفوذ بدون حضور.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که به دلیل اعلان رسمی سیاست درست، منطقی و قرآنی حمایت از جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش در قانون اساسی و در لسان رهبران و کارگزاران نظام، این مسئله هزینه‌های سیاسی و اقتصادی اجتناب‌ناپذیری را از طرف نظام سلطه به

1. Movement strategy.

2. Horizontal presence and Vertical penetration/influence.

نظام تحمیل کرده که تحریم‌های ظالمانه و ناعادلانه یک‌جانبه، ثانویه و فرامرزی امریکا در این چهارچوب قابل تحلیل و ارزیابی است. به‌نظر می‌رسد اگرچه هزینه‌های مقاومت اصلاً قابل قیاس با هزینه‌های سازش و تسلیم در برابر نظام سلطه نیست، می‌توان با سیاست ابهام استراتژیک و پنهان‌کاری در شرایط خاص، ضمن دنبال کردن سیاست اعتقادی و درست مذکور از هزینه‌های جانبی آن به دلیل وجود اصل مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تا حدود زیادی پرهیز کرد. در نظام بین‌الملل کنونی که پنهان‌کاری روش مسلط سیاست و روابط دو‌جانبه و چندجانبه کشورها شده، تفکیک سیاست اعمالی و اعلانی‌مان در حوزه عمل با حفظ تقویت همه‌جانبه محور مقاومت در تمام ابعاد راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی قابل تأمل است.

بنابراین در شرایط خاص لازم است دیپلماسی نهضتی با «موتور روشن و چراغ خاموش» حرکت کند و این مهم به این دلیل است که دیپلماسی پنهان و مقاومت بعضاً لازم و ملزوم و مکمل هم‌اند. البته در مواردی که دولت رسمی و قانونی مثل عراق و سوریه درگیر فتنه تکفیری‌ها می‌شوند و از ایران درخواست کمک می‌شود، این نوع دخالت نیروهای نهضتی کشور که به درخواست رسمی دولت خارجی صورت می‌پذیرد، هرگز نافی و ناقض اصل بین‌المللی «عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها» نیست. در این صورت «خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملل دیگر» و «حمایت از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در همه جهان» در اصل ۱۵۴ قانون اساسی نیز مکمل هم‌اند و در یک راستا قرار می‌گیرند.

مع‌الوصف در خصوص راهبردهای نهضتی دیدگاه‌های مختلفی در کشور مطرح شده است که با یک نگاه تحلیلی و ترکیبی خاص، راهبردهای نهضتی به چهار بخش، یعنی راهبرد صدور انقلاب، راهبرد عمق‌بخشی خارجی، راهبرد الهام‌بخشی و راهبرد هیبریدی (ترکیبی) قابل تقسیم است، که در ادامه به بررسی و تحلیل آنها می‌پردازیم.

۱. راهبرد صدور انقلاب

مفهوم صدور انقلاب از رسالت‌های برون‌مرزی همه انقلاب‌ها شمرده می‌شود؛ چنان‌که انقلاب فرانسه الهام‌بخش اکثر دموکراسی‌ها بود و انقلاب روسیه بر انقلاب چین و کوبا اثر گذاشته‌اند (محمدی، ۱۳۹۰: ۶۰). با تأمل در جنبش‌های اسلامی معاصر می‌توان به‌وضوح نقش تأثیرگذار انقلاب اسلامی را از آغاز شکل‌گیری تا به سرانجام رسیدن آنها مشاهده کرد. جمهوری اسلامی



اصل صدور انقلاب را در دستور کار قرار داد و کوشید با برقراری ارتباط و حمایت از این جنبش‌ها، تجربیات خود را به این جنبش‌ها منتقل کند و توانست تأثیر بسیار شگرفی در ابعاد فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنان داشته باشد و با ارتقای خودآگاهی مستضعفان و محرومان و احیای خودباوری، اعتماد به نفس و بیداری، بر اهمیت جنبش‌های آزادی‌بخش به‌عنوان بازیگران نوین در نظام بین‌الملل تأکید ورزد و بدین ترتیب موازنه قدرت را به نفع جبهه‌های ثالث یعنی جبهه مقاومت در نظام بین‌الملل رقم زد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، حضرت امام (ره) فرمودند:

«ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشم‌داشتی به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند نیست» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۳۲۵).

«ما انقلابمان را به تمام جهانیان صادر می‌کنیم؛ چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم» (همان، ج ۱۲: ۱۴۸).

امام امت در یکی دیگر از بیانات خویش درباره صدور انقلاب می‌فرمایند:

«بحمدالله امروز قدرت ایرانی و قدرت اسلام در ایران به طوری است که توجه همه ملت‌های ضعیف را به خودش معطوف کرده است و اسلام صادر شد در سرتاسر دنیا. از این سیاه‌های عزیزی که در آمریکا هستند و تا افریقا و تا شوروی و همه‌جا نور اسلام تابیده است و توجه مردم به اسلام شده است؛ و منظور از صدور انقلاب همین بود و تحقق پیدا کرد و ان‌شاءالله اسلام در همه‌جا غلبه بر کفر خواهد پیدا کرد» (همان، ج ۱۷: ۴۱۵).

کلام امام خمینی (ره)، به‌عنوان مرکز گفتمان مسلط استراتژی صدور انقلاب به‌خوبی نمایان است: «ما باید سعی کنیم انقلابمان را صادر کنیم. تمام ابرقدرت‌ها و قدرت‌های دیگر در صدد نابودی ما هستند. اگر ما در یک محیط بسته بمانیم، عاقبت با شکست مواجه خواهیم شد» (همان، ج ۱۲: ۲۰۲).

بنابراین راهبرد صدور انقلاب با هدف بیدارسازی و آگاه‌سازی مظلومان و مستضعفان جهان از ظلم ظالمان و استکبار مستکبران عالم از یک طرف و آموزش و تجهیز آنها از طرف



دیگر، از مبانی متقن و محکم دیپلماسی نهضتی به‌شمار می‌رود. براین اساس یکی از اصول مهم سیاست خارجی انقلاب اسلامی برگرفته از معارف قرآن کریم، موضوع دفاع از حقوق مسلمانان در اقصی نقاط جهان است. طبق اصل ۳ قانون اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک دولت اسلامی «بر اساس... تعهد برادرانه نسبت به مسلمانان» متعهد به دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان است. اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد: «جمهوری اسلامی ایران از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند»؛ زیرا انقلاب اسلامی ایران خود جنبش و «حرکتی برای پیروزی نهایی مستضعفان بر مستکبران» به‌شمار می‌رود. اسلام دینی جهانی است و جهانی بودن و خاتمیت اسلام از آغاز بعثت اعلان شد و در ذهنیت عموم مسلمانان از امتیازهای جهانی بود و خاتمیت اسلام مانند دو امر ضروری و دو خصلت جدانشدنی تثبیت شده است. جهانی بودن انقلاب در حقیقت تعبیر دیگری از خصیصه عمومی بودن و خاتمیت اسلام است (محمدی، ۱۳۹۰: ۵۷). درست به همین دلیل اسلام در چهارچوب اصل قرآنی دعوت،^۱ دینی جهانی و همگانی به‌شمار می‌رود.

به‌طور کلی از آغاز انقلاب اسلامی، سه دیدگاه اصلی در خصوص صدور انقلاب (محمدی، ۱۳۹۰: ۶۶-۶۲) مطرح بوده است:

دیدگاه اول: طرفداران دیدگاه اول ملی‌گراها بودند. تبلور این اندیشه در شرایط آغازین دهه چهل و هم‌زمان با رشد نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) کاملاً مشهود بوده و ضمن تظاهر به اندیشه اسلامی، کانون تحرک خود را ناسیونالیسم و ملیت‌گرایی قرار دادند. پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل آنکه در قالب حزب یا سازمان منسجم تحقق نیافته بود، فرصت مناسبی برای شکوفایی این دیدگاه بود. اینان به موازات داغ شدن بحث صدور انقلاب، مخالفت صریح یا تلویحی خود را با اعلام اولویت دادن به بازسازی داخلی مطرح می‌کردند. طرفداران این دیدگاه مدعی بودند تنها باید در قبال ملت ایران احساس مسئولیت کرد و تمام محورهای توسعه و رشد می‌بایست صرفاً منافع ملت ایران را دربر بگیرد و ایرانیت محور اصلی برای چنین رشدی

۱. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (نحل: ۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن پروردگارت، از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به هدایت‌یافتگان داناتر است.»

در خصوص اصل منطقی و قرآنی «دعوت همه به اسلام» شایان ذکر است که تکفیری‌ها نیز به دنبال «تحمیل اسلام بر همگان» هستند آن‌هم با قرائتی قشری و ضدشعبی و البته ضدانسانی.



تلقی می‌شد. آنها معتقد بودند که تنها باید درصدد بهبود اوضاع و شرایط ملی و ارتقای سطح فناوری برآمد و از ایجاد حساسیت‌های جهانی احتراز کرد. این گروه معتقد بودند ارزش‌های انقلاب تنها در چهارچوب مرزهای ملی قابل قبول است و نباید درباره محیط پیرامون موضع تعرضی داشته باشد. لذا به‌طور کلی مخالف صدور انقلاب بودند و آن را عملی خلاف شئون بین‌المللی می‌پنداشتند. اعضای دولت موقت و یاران مهندس بازرگان در نهضت آزادی از این دسته بودند و مخالفت علنی و جدی خود را با موضوع صدور انقلاب به هر شیوه‌ای اعلام می‌داشتند؛

دیدگاه دوم: دسته‌ای دیگر عناصری انقلابی بودند که مرزهای ملی را ساخته دوران سلطه استعمار می‌دانستند و معتقد بودند جهان اسلام زمانی یک کل یک‌پارچه بوده است که بر اثر تهاجم دو قطب فرهنگ غرب یعنی ناسیونالیسم و استعمار تجزیه شده و به فراخور منافع دول قدرتمند، مرزها و پرچم‌های ملی شکل گرفته‌اند و تفاخر نژادی و ملی تقویت شده، ارزش‌های فرهنگی اسلام را تحت الشعاع قرار داده‌اند. طرف‌داران این دیدگاه به «تئوری توطئه» اعتقاد داشتند و هرگونه نابسامانی، عقب‌ماندگی، تحجر فرهنگی و مرزبندی‌ها را ناشی از توطئه برنامه‌ریزی شده دولت‌های استعمارگر می‌دانستند. توجیه قدرتمند «اسلام مرز نمی‌شناسد» حربه مناسبی برای این گروه بود که در قالب آن مشروعیت شایان توجهی نیز برای خود تدارک دیده بودند. استفاده از توانمندی‌های نظامی، چریکی و اطلاعاتی و تجهیز تسلیحاتی جنبش‌های آزادی‌بخش و به خطر افتادن پایه‌های حکومت‌های مستبد، در کانون توجه این دسته قرار داشت. در این دیدگاه منافع ملی با منافع آرمانی یک‌سان فرض شده و اولویت در سیاست خارجی به منافع ایدئولوژیک آن‌هم از موضع خشن و سرکوبگرانه داده می‌شود. هر نوع پذیرش قوانین بین‌المللی مطرود است و تمام سازمان‌ها، مؤسسات و قواعد بین‌المللی به‌کلی مطرود تلقی می‌شوند و درگیری دائمی تا نابودی کامل این سیستم ظالمانه و تحقق ارزش‌های انقلابی از طریق اعمال زور و قدرت مورد توجه این دسته است. شاید بتوان گفت شهید محمد منتظری از رهبران این گروه تلقی می‌شود^۱ (بی‌نا، ۱۳۸۴: ۴۶)؛

دیدگاه سوم: طرف‌داران دیدگاه سوم معتقد بودند باید بکوشیم در داخل، امتی نمونه بسازیم و از تمام ابزارهای انقلابی، قانونی و حتی خشن نظامی برای تحقق این هدف سود

۱. شایان توضیح است که شهید منتظری از قبل انقلاب و حتی در اوایل انقلاب چنین دیدگاهی را مطرح و دنبال می‌کرد، اما به تدریج و به‌خصوص در اواخر عمرش تغییر و تعدیل یافت. مصداق بارز چنین رویکردی در صدور انقلاب بیشتر به عملکرد سیدمهدی هاشمی معدوم نزدیک است.



بریم. درباره جامعه جهانی نیز این دیدگاه سیاست مسالمت‌آمیز توأم با فرصت‌طلبی را دنبال می‌کرد و معتقد بود هر جا مصالح و منافع ملی اقتضا کرد و شرایط نیز آماده بود، باید به رژیم‌های وابسته و مستبد ضربه وارد کنیم و اگر شرایط مناسب نبود، به تفاهم با وضع موجود ادامه دهیم.

دیدگاه فوق تلفیقی از دیدگاه اول و دوم را پی می‌گرفت و طرفداران آن اعتقاد داشتند مادام که در داخل موفق به تثبیت اوضاع نشده‌ایم، نباید در قبال جامعه جهانی موضعی تعرضی داشته باشیم، بلکه پس از آنکه توانستیم اوضاع را در داخل بهبود بخشیم و به اهداف خود دست یابیم، باید تدریجاً وارد مخاصمه با جامعه جهانی و محیط پیرامون شویم. در صورتی که منافع ما در نقطه‌ای به خطر افتاد و مخاصمه و برخورد خشن کارساز نبود، اقدام به مخاصمه با جامعه جهانی و محیط پیرامون کنیم. این دیدگاه تا حدود زیادی در داخل متأثر از اندیشه انقلابی و در جامعه جهانی مدافع تفاهم با سیاست دولت‌های قوی بود. در این دیدگاه استفاده از تمام شیوه‌ها برای دستیابی به اهداف انقلابی مشروع و قابل قبول تلقی می‌شد. نظریه حفظ ام‌القرای اسلامی مطرح‌شده از ناحیه دکتر محمدجواد لاریجانی بر اساس این دیدگاه شکل گرفته است (همان). در این میان دیدگاه حضرت خمینی (ره) به‌عنوان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی دیدگاه مستقلی است که عملاً هر سه دیدگاه فوق را به دلیل نگاه انفعالی و ورود مؤلفه‌های غیردینی در ارزش‌های اسلامی انقلاب، و نیز استفاده از هر ابزار و روشی برای پیشبرد اهداف جهانی انقلاب، به‌بوته نقد و نفی می‌کشاند. ایشان به‌منظور جلوگیری از هرگونه برداشت غلط از معنای صدور انقلاب و نیز با تأکید بر غیرممکن و نادرست بودن شیوه‌هایی مثل بمب‌گذاری، ترور و به‌خصوص عدم توجه به تعمیق حرکت‌های توده‌ای یا تلاش جهت برهم زدن مرزهای ملی فرمودند:

«اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جهان صادر بشود، این معنای غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود. آرزوی ما این است. معنای صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار



باشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه‌بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند نجات بدهند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۸۱).

درواقع ایشان به شیوه و سنت پیامبر اکرم (ص) با دعوت گورباچف به اسلام و خداپرستی، اصل صدور انقلاب را درباره دولت‌ها اعمال می‌کنند و به او می‌فهمانند که تنها راه نجات بشر از منجلاب فساد، ظلم و بدبختی، حرکت به سوی رستگاری در پذیرش اسلام است. اگرچه در این دیدگاه، صدور انقلاب وظیفه حتمی و انقلابی به‌شمار می‌آید، چنین روندی در صورتی موفق خواهد شد که بتواند در داخل نیز الگوی موفق تدارک ببیند و به‌عنوان امت شاهد و نمونه تلقی شود. لذا در جمع‌بندی کلی صدور انقلاب از دیدگاه خمینی (ره)، به مفهوم تأکید بر تحقق ارزش‌ها در داخل و اهتمام جدی به ارائه و اشاعه ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب در خارج است (محمدی، ۱۳۹۰: ۶۹). همین مسئله دقیقاً عمق نگاه راهبردی امام راحل را می‌رساند؛ اینکه ایشان هم‌زمان به هر دو مسئله «عمق‌بخشی داخلی» و «عمق‌بخشی خارجی» توجه می‌کنند؛ یعنی از یک طرف ساختن جامعه نمونه مبتنی بر ارزش‌های والای الهی و انسانی و از طرف دیگر تلاش جهت ترویج این الگوی نمونه در تمام ممالک و ملل خارجی.

۲. راهبرد عمق‌بخشی خارجی

راهبرد عمق‌بخشی خارجی^۱ در مقابل مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی بین‌المللی^۲ قرار می‌گیرد. عمق‌بخشی به دنبال ترویج و تقویت ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی به ملت‌ها و جامعه‌پذیری بین‌المللی به دنبال هضم کردن ارزش‌ها و فرهنگ‌های بومی در هاضمه نظام سرمایه‌داری و لیبرال‌دمکراسی نظام سلطه است. از این رو غرب هیچ دولت مقتدر و مستقلی را عملاً به رسمیت نخواهد شناخت مگر آنکه در چهارچوب نظام ارزشی و منافع آنها عمل کند.

عمق‌بخشی را می‌توان چنین تعریف کرد: «هرگونه اقدام عملی مشروع در جهت صدور انقلاب و حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان مبتنی بر مبانی اسلام، انقلاب، قانون

1. External Deepening.

2. international political socialization.

اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین منویات حضرت خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در راستای تحقق و عملی ساختن راهبردهای اساسی نظام متناسب با مقتضیات و شرایط زمان و مکان» (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۷).

برخی نیز از افق‌های مهم معنایی «وجه نرم» این واژه را ترسیم کرده‌اند. خرمشاد در مصاحبه با سایت مقام معظم رهبری، به ویژگی‌هایی از عمق راهبردی نظام اسلامی اشاره می‌کند:

«عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی عبارت است از گسترش قلمرو نرم انقلاب اسلامی از طریق الگو شدن آن در فراتر از مرزهای پیرامونی‌اش، که از طرفی با جلب حمایت توده‌های مردم در سرزمین هدف، و از سوی دیگر، با ایجاد و توسعه نفوذ نرم انقلاب اسلامی در آن سرزمین، منجر به خلق مصونیت برای منافع (ملی و فراملی) سرزمین مادر، در برابر تهدیدهای نرم یا سخت حریف می‌شود» (همان: ۶۸-۶۹).

از منظر دکتر سیدیچی صفوی نیز عمق‌بخشی انقلاب اسلامی یعنی «تقویت، توسعه، افزایش اقتدار، تأثیرگذاری، نفوذ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزهای جغرافیایی ایران در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و... در دولت‌ها و ملت‌های گوناگون با ویژگی‌های دفاع از مسلمانان و مستضعفان غیر معارض با اسلام، بازدارندگی مؤثر و توانا در تغییر راهبردها و سیاست‌های دشمن، توان وادار نمودن دشمن به انصراف از حمله یا تهدید جمهوری اسلامی ایران، قادر بودن به واکنش سریع در خارج از کشور با قابلیت بی‌اثر یا کم‌اثر نمودن و دور کردن تهدیدهای خارجی به‌ویژه امریکا و رژیم صهیونیستی» (همان: ۶۸). از نظر ایشان عمق استراتژیک به ابزارهای سیاسی، جغرافیایی، نیروی انسانی، اعتقادی، نیروهای بالقوه و بالفعل دفاعی یک ملت و یک کشور برای دفاع از خود در مقابل توطئه‌ها و دسیسه‌های کشورهای متخاصم گفته می‌شود و در کلیت مفهومی، «راهبرد عمق استراتژیک» عبارت است از هر چیزی که قوت برای کشوری و تهدید برای کشور رقیب محسوب شود و بتواند نقش بازدارندگی را برای کشور دارنده آن بازی کند (صفوی، ۱۳۹۲: ۱۲).

در هر صورت، عمق‌بخشی از نظر نگارنده، تلاش و حرکت در جهت ترویج و تقویت روحیه و رویکرد ضد ظلم و قیام مردمی بر ضد سیستم و حاکم ظالم در راستای تحقق عدالت جهانی است.



۳. راهبرد الهام‌بخشی

راهبرد الهام‌بخشی^۱ که یادآور ضرب‌المثل معروف ایرانی است: «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطار بگوید»، ناظر بر عمق‌بخشی داخلی یعنی تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب به‌ویژه عدالت و آزادی در داخل و ساختن شهری بر فراز تپه^۲ است که مدام در حال نورافشانی و عطرافشانی است؛ به عبارت دیگر تلاش جهت ساختن جامعه نمونه و الگو در قالب جامعه‌پذیری سیاسی داخلی مثبت ارزش‌های انسانی و اجتماعی توحیدی.

این مسئله نکته قابل تأملی است که حتی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ که در تاریخ سیزدهم آبان ۱۳۸۲ توسط رهبر معظم انقلاب به سران قوای سه‌گانه ابلاغ گردید، تأکید دارد که «با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی‌شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل» (<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=9034>).

هنر دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران، تبدیل کردن تجربه‌های ملی به الگوهای فراملی بوده است. در واقع دیپلماسی نهضتی ایران، الگوهای درون‌مرزی را به الگوهای فرامرزی تبدیل کرده است؛ به نحوی که مردم کشورهای مختلف با تأثیرپذیری و الگوگیری از چنین رویدادهایی، دست به اقدام‌های عملی بزرگی می‌زنند و اهداف خود را به‌رغم وجود دولت‌های سرکوبگر و حامیان خارجی آنها پیش می‌برند (بهمن و خانلو، ۱۳۹۴: ۹۲).

بنابراین با ساختن جامعه عدالت‌محور و اخلاق‌مدار، خود انقلاب خودبه‌خود به تمام جهان صادر خواهد شد؛ یعنی مورد توجه و الهام سایر ملت‌ها قرار می‌گیرد.

۴. راهبرد ترکیبی (هیبردی)

در اینجا به‌نظر می‌رسد که می‌توان صدور انقلاب را در بافتار عمق‌بخشی خارجی به موازات تعمیق عمق‌بخشی داخلی (جامعه‌پذیری) با محوریت الهام‌بخشی به‌صورت هم‌زمان پیش برد؛ همان نکته‌ای که پیش از این نیز بدان اشاره شد: توجه هم‌زمان به هر

1. Lighting strategy/ model projection.
2. City on a Hill / A shining city upon a hill.

دو مسئله «عمق بخشی داخلی» و «عمق بخشی خارجی»؛ یعنی از یک طرف ساختن جامعه نمونه مبتنی بر ارزش های والای الهی و انسانی یعنی حیاط طیبه مادی و معنوی و از طرف دیگر تلاش جهت ترویج و گسترش این الگوی نمونه در تمام ممالک و ملل خارجی. به عبارت دیگر صدور انقلاب و عمق بخشی خارجی ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی بدون عمق بخشی داخلی و الهام بخشی در ابعاد مختلف، نمی تواند از سوی سایر ملت ها مورد توجه و عنایت ویژه قرار گیرد. ضرب المثل معروف «کل اگر طیب بودی، سر خود دوا نمودی»، ناظر به همین مسئله است؛ کما اینکه قرآن کریم نیز همه ما را از گفتن چیزی که خود عامل بدان نیستیم بر حذر می دارد.^۱

رهنگاشت دیپلماسی نهضتی

باتوجه به اینکه انقلاب اسلامی بر پایه ارزش های مکتب اسلام شکل گرفته است، با محکوم کردن استکبار و سلطه جویی، حمایت خود را از مستضعفان جهان در اقصی نقاط عالم اعلام داشت. در واقع این انقلاب با طرح استکبارستیزی جهانی، نظام جدیدی را به عالم عرضه داشت که در آن، تضاد واقعی میان مستکبران از یک سو و مستضعفان جهان از سوی دیگر، کاملاً به چشم می خورد؛ زیرا جامعه جهانی روی صلح و آشتی نخواهد دید، مگر زمانی که استکبار و مستکبران از صفحه روزگار محو و مستضعفان بر همه جهان حاکم شوند. امام خمینی (ره) از آغاز نهضت اسلامی به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره در بیانات و نوشته های خود، بر حمایت از محرومان و مستضعفان تأکید می کردند: «ملت آزاده ایران اکنون از ملت های مستضعف جهان در مقابل آنهايي که منطقتشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است، کاملاً پشتیبانی می کند. ما از تمام نهضت های آزادی بخش در سرتاسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می کنند، پشتیبانی می کنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۱۳۸).

گفتنی است که در کشورهای مختلف سازمان ها، نهادها، جنبش ها، گروه ها و شبکه های غیردولتی و غیررسمی وجود دارند که هر یک اهداف خاصی را پیگیری می کنند. برخی از این جنبش ها، گروه ها و سازمان ها در پی مسائل قومی، نژادی، زبانی و برخی دیگر نیز در پی مباحث هویتی، ارزشی و مذهبی هستند. گاهی این جنبش ها و گروه ها مطالبات برحق دارند

۱. «اتَأْمُرُونَ النَّابِئِينَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ (بقره: ۴۴)؛ آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید، اما خودتان را فراموش می نمایید؟» «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (صف: ۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا چیزی را می گوئید که عمل نمی کنید؟ (چرا وعده به قصد تخلف می دهید؟)»



که از سوی دولت‌ها و قدرت‌های حاکم نادیده گرفته می‌شوند. در چنین شرایطی دیپلماسی نهضتی می‌تواند از دو طریق به احقاق حق این جنبش‌ها و گروه‌ها کمک کند: نخست آنکه دیپلماسی نهضتی از راه ارتباط با دولت حاکم می‌کوشد و بیکرد آن کشور را درباره جنبش یا گروه مد نظر تغییر دهد، اما اگر چنین امری محقق نشد، راه دوم یعنی توانمندسازی جنبش یا گروه پیگیری می‌شود (زارعی، ۱۳۹۴).

براین اساس در طول سال‌های گذشته، دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور توانمندسازی نهضت‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها در دو سطح ایجابی و سلبی وارد شده و به مقابله با دشمن مشترک پرداخته است. در سطح ایجابی از هویت، مذهب و ارزش مشترک به دفاع برخاسته و از آن صیانت کرده و در سطح سلبی نیز از طریق اقدام‌های قاطع سیاسی و نظامی از هرگونه مداخله خارجی ممانعت کرده است. در واقع دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران در شکل دهی به گروه‌ها، جنبش‌ها و نهضت‌ها در راستای ایجاد حس مشترک در حوزه اقدام و عمل گام برداشته است. همچنین دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران برای تحقق اهداف خود، توانمندی در برابر دشمن را اصل اساسی تلقی و این توانمندی را در حوزه عمل تعریف کرده است. به این ترتیب درحالی‌که عموماً گروه‌ها، جنبش‌ها و نهضت‌های کوچک در برابر قدرت‌های بزرگ احساس ضعف می‌کنند، دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران نه تنها باعث از بین رفتن این ضعف شده، بلکه آن‌چنان این گروه‌ها و نهضت‌ها را توانمند کرده است که در برابر قدرت‌های بزرگ دست به ایستادگی و مقاومت می‌زنند (بهمن و خانلو، ۱۳۹۴: ۹۱).

شایان ذکر است که دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران برای توانمندسازی جریان‌ها و نهضت‌های مختلف می‌کوشد آنها را در ابعاد گوناگون خودکفا کند. در واقع دیپلماسی نهضتی جنبش‌ها را به لحاظ اداره درونی خودکفا می‌کند تا در شرایط دشوار بتوانند مستقلاً عمل کنند. به عبارت دیگر اگر جنبش یا نهضتی در محاصره قرار گرفت و ارتباطش با نهضت مادر قطع شد، بتواند به حیات و مقاومت خود ادامه دهد. نمونه واضح چنین امری مقاومت و ایستادگی انصارالله یمن است که به‌رغم محاصره خارجی و قطع ارتباط با نهضت مادر (جمهوری اسلامی ایران)، توانست بیش از یک سال در برابر شدیدترین حملات خارجی به رفع نیازهای اقتصادی، درمانی، جنگی و... خود پردازد (همان: ۹۳-۹۴). براین اساس



دیپلماسی نهضتی در طول سال‌های گذشته، موفق شده است ضمن توانمندسازی نهضت‌ها، جنبش‌ها، ملت‌ها و دولت‌های مختلف، آنها را در یک جبهه همسو سامان‌دهی کند؛ به نحوی که در حال حاضر جبهه مقاومت به‌عنوان ثمره و محصول دیپلماسی نهضتی از ظرفیت‌های درخور توجهی در سطوح منطقه‌ای و جهانی برای تأثیرگذاری بر رویدادها و روندها برخوردار است (همان: ۹۵).

پرواضح است که دیپلماسی نهضتی یکی از حوزه‌های تأثیرگذار اجرایی در سیاست خارجی انقلاب اسلامی است و نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان نیروی راهبردی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران، مأموریت مشخصی را حسب قانون اساسی در حوزه نهضتی دنبال می‌کند؛ یعنی حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی و ملی و دولت‌های حامی محور مقاومت،^۱ و این مهم از طریق تشکیل هسته‌های مردمی حزب‌الله در سراسر جهان^۲ دنبال می‌شود. این مأموریت البته در بستر تاریخ، جغرافیا و جامعه مخاطب، تعیین‌کننده جهت‌گیری و ماهیت دیپلماسی نهضتی خواهد بود.

به‌این ترتیب دیپلماسی نهضتی بدون راهبرد و ره‌نگاشت مدون، جامع و اجماعی هرگز، نه می‌تواند گفتمان واحدی در حوزه مقاومت در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور ایجاد کند و نه می‌تواند مجموعه ظرفیت‌های کلان کشور را در خدمت مقاومت قرار دهد. در این میان، ره‌نگاشت نهضتی^۳ شش مرحله را در چهارچوب آرمان‌های ایجابی و سلبی انقلاب اسلامی یعنی عدالت‌طلبی، استقلال‌خواهی و آزادی‌خواهی از یک طرف و امریکا(گرایی) ستیزی، صهیونیسم‌ستیزی و وهابیت‌ستیزی (تکفیر) از سوی دیگر مدیریت و هدایت می‌کند: گفتمان‌سازی، شبکه‌سازی، جریان‌سازی، جنبش‌سازی، نظام‌سازی و تمدن‌سازی. می‌توان در چهارچوب تعامل با مرتبطان و هواداران انقلاب اسلامی، گام‌های شش‌گانه مذکور را به سه مرحله کاشت یا ارتباط‌گیری (گفتمان‌سازی و شبکه‌سازی)، داشت یا فعال‌سازی (جریان‌سازی و جنبش‌سازی)، و برداشت یا بهره‌برداری (نظام‌سازی و تمدن‌سازی) نیز تلخیص کرد. به‌هر حال این شش مرحله را می‌توان در قالب یک مدل مفهومی ترسیم کرد.

1. https://fa.wikipedia.org/wiki/نیروی_قدس_سپاه_پاسداران_انقلاب_اسلامی

۲. جهت کسب اطلاعات بیش‌تر ر. ک «مأموریت نیروی قدس به روایت فرمانده کل قوا»:

<https://www.mashregnews.ir/news/۷۸۹۶۳/>

3. Movement road map.





شکل ۱: مدل مفهومی رهنگاشت دیپلماسی نهضتی

۱. گفتمان‌سازی

به‌طور کلی گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی در دو بعد ایجابی و سلبی معنا پیدا می‌کند: الف) آرمان‌های ایجابی: آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی، استقلال‌گرایی؛ ب) آرمان‌های سلبی: امریکاستیزی، صهیونیسم‌ستیزی، وهابیت‌ستیزی در چهارچوب استکبارستیزی و ضدیت با نظام سلطه. در واقع گفتمان‌سازی اقدام نرم در بستر فرهنگی است که از طریق مراکز مطالعاتی، دانشگاهی و اندیشکده‌ای تولید و در میان جامعه نخبگی هدف توزیع و منتشر می‌شود.

به‌عنوان مثال یکی از حوزه‌ها و زمینه‌های گفتمان‌سازی در میان مسلمانان اروپا، گفتمان‌سازی و نظریه‌پردازی گفتمان «یورواسلام»^۱ در مقابل «یوروآتلانتیک»^۲ جهت حفظ هویت اسلامی مسلمانان اروپا در فرایند هم‌گرایی است. همچنین در این چهارچوب مدت‌هاست سؤالی ذهن‌نگارنده را نوازش می‌کند و بلکه آزار می‌دهد که اگر جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با چپ‌های امریکای لاتین برای توازن قدرت و تهدید بین ایران و امریکا در حیاط خلوت امریکا وارد گفتمان و بلکه ائتلاف ضد امریکایی و ضد نظام سلطه در منطقه شود، چرا در منطقه بالکان (غربی) برای ایجاد توازن قدرت بین ایران و غرب، وارد

1. Euro-Islam.

2. Euro-Atlantic.



اگر نه ائتلاف که دست کم گفتمان ضد امریکایی و ضد ناتویی با صرب‌های منطقه نشویم؟ از قضا روس‌ها نیز شدیداً از این موضوع استقبال می‌کنند. این ایده عملیاتی درست منطبق بر دکترین «تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه» مورد تأکید و تأیید مقام معظم رهبری است.

۲. شبکه‌سازی

با عنایت به آیه شریف «اصبروا و صابروا و رابطوا»^۱، شبکه‌سازی یعنی سازمان‌دهی و بسیج نیروها و امکانات و ابزار مناسب و متناسب با مأموریت، برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده در کشور هدف؛ به طوری که مجریان دیپلماسی فعالیت‌های خود را در این قالب سازمان‌دهی و سازمان‌دهی کنند. به عبارت دیگر اهداف شبکه‌سازی از طریق مجموعه نهادهای متعدد بومی و غیربومی به صورت غیرمستقیم شکل می‌گیرد. منطق شبکه‌سازی تشکیل هسته (کوچک) دانا و شبکه (گسترده) تواناست.

در این راه طبعاً به دلیل محدودیت‌های زمانی و محیطی، نمی‌توان مستقیم با تمام جامعه ارتباط برقرار کرد تا شبکه‌سازی مورد نظر شکل بگیرد، بلکه می‌باید نخبگان برجسته‌ای که توان سازمان‌دهی و بسیج نیروها و در یک کلام شبکه‌سازی اجتماعی را دارند، شناسایی و در جهت تشکیل شبکه‌های اجتماعی و کار نهضتی ترغیب کرد. لذا کار نهضتی کار کیفی و عمقی است و نه کمی و سطحی. نمونه موفق این موضوع فردی مثل سید حسن نصرالله است که با ایمان قوی و چهره کاریزماتیک، از توان فوق‌العاده برای شبکه‌سازی بومی جهت تشکیل هسته‌های مقاومت بهره‌مند است.

در این خصوص باید گفت دیپلماسی نهضتی لزوماً و ضرورتاً با توده‌های مردم ارتباط مستقیم و پوپولیستی ندارد، بلکه با نهضت‌های آزادی‌بخش و گروه‌ها و جنبش‌های مقاومت مرتبط است که خود آن جنبش‌ها و جریان‌های نخبگی بومی‌اند که به‌عنوان نمایندگان واقعی و غیردولتی ملت‌ها می‌توانند و باید شبکه‌سازی شوند و حرکت اجتماعی و گسترده را در چهارچوب مقاومت ایجاد کنند. لذا در استراتژی نهضتی چنین نیست که بتوان نفر به نفر را جذب و هدایت و راهبری کرد، بلکه باید افراد شاخص و تأثیرگذار را جذب کرد و آنها خودشان به صورت بومی تیم، گروه و جبهه تشکیل بدهند. چنین افرادی به تعبیر قرآن کریم،

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰)؛ ای اهل ایمان، در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن و خداترس باشید که پیروز و رستگار شوید.»

ابراهیم‌وار خود به‌تنهایی یک امت‌اند: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا (نحل: ۱۲۰)؛ بی‌گمان ابراهیم امتی بود فروتن برای خدا و حق‌گرا، و از مشرکان نبود.» شاید شاهبیت معروف شاعر حماسه‌سرای پارسی‌گوی، فردوسی، در اینجا موضوعیت داشته باشد:

سیاهی لشکر نیاید به کاریکی مرد جنگی به از صد هزار

۳. جریان‌سازی

امروزه جریان‌سازی در بستر رسانه شکل می‌گیرد و با وجود فضای مجازی و شبکه‌های متعدد و متنوع اجتماعی، کار جریان‌سازی، هم در بعد ایجابی و هم در بعد سلبی، سرعت و عمق بیش‌تری پیدا کرده است. جریان‌سازی را می‌توان به دو بخش جریان‌سازی فکری و جریان‌سازی سیاسی تقسیم کرد. جریان‌سازی فکری معطوف به حوزه نخبگی و اجتماعی (گسترش و تعمیق نفوذ) مقدم بر جریان‌سازی سیاسی معطوف به احزاب و جریان‌های سیاسی (کسب و حفظ قدرت) است. در این بخش به‌خصوص با ابزار رسانه باید بتوان در مسائل مهم مربوط به سیاست داخلی و خارجی کشور هدف و به‌ویژه تحولات بین‌المللی مرتبط با انقلاب اسلامی، افکار عمومی را به حرکت واداشت.

۴. جنبش‌سازی

جنبش‌های اجتماعی عاملی مهم در دگرگونی جوامع و بروز بحران‌ها هستند و خود موضوع نظریه‌پردازی در سطح وسیعی قرار گرفته‌اند. در زمینه روش‌شناسی شناخت جنبش‌ها، بعضی‌ها بر تحلیل جنبش در بستر تاریخی تأکید می‌کنند و بعضی نیز در تحلیل جنبش علائم، رفتار و شیوه‌های بروز و ظهور آن را مورد مذاقه قرار می‌دهند^۱ و عده‌ای هم معتقدند باید ماهیت جنبش‌ها را بر اساس مبانی ایدئولوژیک آنها شناسایی کرد. گرایش‌های مختلفی در روش شناخت جنبش‌ها وجود دارد. چون این جنبش‌ها با همدیگر به ذهنیت مشترک نرسیده‌اند، همیشه تفسیرهای مختلفی از رشد و نمو آنها وجود دارد. جنبش‌های اجتماعی را می‌توان بر اساس محوریت افکار و ایدئولوژی‌ها، مکانیسم تأثیرگذاری، تعداد اعضا، تکیه‌گاه

۱. در این خصوص می‌توان به شعارهای اصلی جهان عرب در جریان بیداری اسلامی یا به تعبیر رسانه‌های عرب‌زبان «الربیع العریبی» (بهار عربی) در تونس، مصر، لیبی، بحرین، یمن و اخیراً در الجزایر و سودان اشاره کرد که فرایندی را از اصلاح نظام تا اسقاط نظام و بناء النظام طی می‌کند: الشعب یرید اصلاح النظام؛ الشعب یرید حقوق الانسان؛ الشعب یرید اسقاط الرئیس؛ الشعب یرید اسقاط النظام (الطائفی)؛ الشعب یرید بناء النظام.



طبقاتی و دوره‌های تاریخی طبقه‌بندی کرد. اگرچه جنبش‌های اجتماعی از لحاظ ساخت، اهداف، کنشگران و مکانیسم عمل جمعی متفاوت با سازمان‌های نهادی و بوروکراتیک هستند، در فراز و فرود مبارزاتی و تاریخ، جنبش‌های اجتماعی می‌توانند تبدیل به حزب سیاسی و در نهایت دولت شوند (قادری کنگاوری، ۱۳۹۵: فصل اول).

مدیر عالی نهضتی برای آنکه بتواند جنبشی را که تولید کرده فعال نگه دارد، نیازمند آن است که از عوامل زمینه‌ای اجتماعی و نارضایتی عمومی و جریان نخبگی و کارگزاری نهایت استفاده را ببرد تا بتواند جنبش را تارسیدن به قدرت و ایحاد دولت کمک کند. بر همین اساس در حوزه مسائل اجتماعی، ظهور و بروز هر جنبش اجتماعی نیازمند شرایط و زمینه‌های مناسب شکل‌گیری در آن محیط اجتماعی است؛ یعنی تا زمانی که شرایط و زمینه‌های مساعد شکل‌گیری جنبش در بستر اجتماعی جامعه به وجود نیاید، هر چند عوامل مختلف تأثیرگذار دیگر هم وجود داشته باشند، پدیده تکوین نخواهد یافت و به ظهور عینی خود نیز نخواهد رسید. در همین باره است که در حوزه ظهور و بروز جنبش‌های اجتماعی با یک مجموعه شرایط و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی (ساختاری) برای شکل‌گیری پدیده روبه‌رو هستیم که در کنار عوامل دیگر، نقش مهمی در تکوین و شکل‌گیری و همچنین فرایند امنیتی شدن جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه دارند. این شرایط ساختاری زمینه مساعد را برای اثرگذاری عوامل کارگزاری یا ارادی تأثیرگذار بر ظهور جنبش‌های اجتماعی فراهم می‌کنند (کریم‌زاده، ۱۳۹۴).

بنابراین برای حرکت دادن نیروهای سیاسی و اجتماعی برآمده از شکاف‌های اجتماعی به سمت جنبش‌های اجتماعی، وجود یک‌سری شرایط عمومی ضروری است. مهم‌ترین راهبردی که باید توسط نخبگان و جریان‌های مخالف در این کشورها نسبت به شکاف‌های مختلف سیاسی و اجتماعی پیگیری شود و رسانه‌های جمعی نیز باید پیام‌ها، خبرها و تحلیل‌های خود را به این سمت جهت‌دهی کنند، به این صورت است که می‌باید با شناسایی دقیق شکاف‌های سیاسی و اجتماعی موجود در این جوامع و نیروهای سیاسی و اجتماعی برآمده از آنها، سیاست تجمیع و متراکم کردن و در نهایت تعمیق آنها را پیگیری کنند. باید با آگاهی‌بخشی به نیروهای اجتماعی که حول این شکاف‌ها به وجود آمده‌اند، این موضوع را دنبال کنند که دستگاه هیئت حاکمه عامل اصلی مشکلات موجود است، تا از این طریق، هم



به نارضایتی‌های عمومی دامن زده شود، و هم با شعارهای کلی و عام و مردمی زمینه وحدت و هماهنگی میان جریان‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی را فراهم کنند. باید تمام سعی و تلاش جریان‌های مخالف اعم از رهبران سیاسی، رسانه‌ها و... این باشد که ضمن افزایش مطالبات عمومی از نظام، مردم و مخالفان را به این فهم برسانند که دولت و نظام حاکم به خواسته‌های آنها بی‌اعتناست و اهمیتی به مطالبات و خواسته‌های آنها نمی‌دهد تا از این طریق به نارضایتی عمومی از نظام حاکم دامن زده شود.

نکته مهم و اساسی در فرایند جنبش‌سازی اجتماعی این است که چگونه می‌شود با استفاده از قشربندی‌ها و شکاف‌های اجتماعی موجود، دست به جنبش‌سازی زد. همیشه از دل قشربندی‌ها و شکاف‌های اجتماعی موافق یا مخالف نظام حاکم، نیروهای سیاسی و اجتماعی شکل گرفته که درصدد پاسخ به نیازها و مطالبات سیاسی و اجتماعی برآمده از شکاف‌ها و گسل‌های موجود در جامعه‌اند. بسته به برخوردی که نظام سیاسی با حامیان و حاملان این شکاف‌ها دارد، می‌تواند سرنوشت متفاوتی را در پی داشته باشد، اما عموماً برای اینکه قشربندی خاص اجتماعی یا شکاف مهم سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی اجتماعی به جنبش اجتماعی تبدیل شود، نیاز به شرایطی دارد که باید در محیط اجتماعی کنش جمعی وجود داشته باشد، تا کنشی صورت بگیرد (همان).

۵. نظام‌سازی

نظام‌سازی مسئله حاکمیتی جهت تثبیت نظام سیاسی است. نظام‌سازی در هر جنبشی اهمیت بسیاری دارد. به عبارت دیگر در بلندمدت، شکل نگرفتن فرایند نظام‌سازی بعد از بروز انقلاب، ظرفیت‌های به‌وجودآمده حاصل از آن خیزش و جنبش را هدر خواهد داد. نظام‌سازی ممکن است امری درونی باشد و گروه‌ها در جریان انقلاب با توجه به مؤلفه‌های آن جنبش، به نظام‌سازی دست بزنند. شرایطی که در ایران بعد از انقلاب اسلامی رخ داد، نمونه بارز تبدیل جنبش به نظام سیاسی بود.

به این ترتیب نظام‌سازی شاید مهم‌ترین مرحله ره‌نگاشت نهضتی باشد؛ چراکه محصول گفتمان‌سازی، شبکه‌سازی، جریان‌سازی و جنبش‌سازی در حوزه ساخت قدرت و سیاست است. نظام‌سازی با تعیین شکل و نوع حکومت، ساختارهای ملی و حاکمیتی و تدوین قانون



اساسی به مثابه میثاق ملی معنا می‌یابد. مقام معظم رهبری نیز بارها به ضرورت مدیریت و حفاظت از نظام سیاسی در جهت حرکت به سوی نظام‌سازی در کشورهای انقلابی تأکید دارند و معتقدند در کشورهایی که تحولی ایجاد شده اگر به همان سیاق قبلی حرکت کنند، جنبش اسلامی از مسیر خود خارج خواهد شد و افراد انقلابی نیز تغییر خواهند کرد:

«یکی دیگر از هدف‌ها نظام‌سازی است. اگر در این کشورهایی که انقلاب کردند نظام‌سازی نشود، آنها را خطر تهدید می‌کند. در همین کشورهای شمال افریقا ما یک تجربه‌ای داریم مربوط به شصت-هفتاد سال پیش: اواسط قرن بیستم. در همین تونس انقلاب شد، نهضت شد، کسانی آمدند سر کار؛ در همین مصر انقلاب شد، کودتا شد، نهضت شد، کسانی آمدند سر کار، در جاهای دیگر هم همین‌طور، اما نتوانستند نظام‌سازی کنند؛ نظام‌سازی که نکردند، این موجب شد که نه فقط آن انقلاب‌ها از بین رفت، بلکه حتی آن کسانی که به نام آن انقلاب‌ها سر کار آمده بودند، خودشان از این رو به آن رو شدند، صدو هشتاد درجه جایشان را عوض کردند، خودشان هم خراب شدند... خود آن انقلاب‌ها هم عوض شدند، همفکر نداشتند، هم نتوانستند نظام‌سازی کنند. باید در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام‌سازی شود؛ باید یک قاعده مستحکمی به وجود بیاید. این هم یکی از مسائل مهم است» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21741>).

پرواضح است که رهبری یکی از مفاهیم اساسی نظام سیاسی در اداره جامعه است. با ضعف و خلأ رهبری، تبدیل نهضت‌ها و انقلاب‌ها به نظام سیاسی قوی دشوار است. با وجود رهبری منسجم برای هدایت جنبش‌ها، تأسیس دولت و نظام‌سازی مطلوب بعد از انقلاب، دور از دسترس نیست. اما در صورت فقدان یا ضعف رهبری و همچنین در صورتی که آرمان‌های انقلاب به گونه‌ای متنوع باشد که امکان انسجام آنان کاهش یابد، نظام‌سازی آینده با معضلات اساسی مواجه می‌شود. درحقیقت رهبر مهم‌ترین رکن جنبش و انقلاب است که در صورت مشکلات و ضعف، وقوع انقلاب و نظام‌سازی آینده را با دشواری‌هایی مواجه خواهد کرد. در صورتی که سه عامل نارضایتی، ایدئولوژی جای‌گزین و روحیه انقلابی در میان مردم پدیدار شود، اما فاقد نهادهای بسیج‌گری که بتوانند مردم را در راستای اهداف انقلابی بسیج کنند باشد، انقلاب با موفقیت روبه‌رو نخواهد شد (کوهن و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۳۷).



گفتنی است که در هر نظام‌سازی، باید شاخص‌های مختلفی را در نظر گرفت که یکی از آنها ظرفیت‌های رهبران سیاسی در یک جنبش و دیگری میزان تشکل‌یافتگی مردم است. رهبران سیاسی و گروه‌نخبگان در جامعه می‌توانند روند نظام‌سازی را تسریع کنند و با ابزارهای مناسب، یک‌پارچگی و انسجام اجتماعی را تقویت کنند. اگر جنبشی با هدف کنار گذاشتن حکومت وقت تکوین پیدا کرد، ولی درون این جنبش به دلیل نبودن رهبری واحد، اختلاف‌هایی به وجود آمد، این مسئله می‌تواند نظام‌سازی را با آسیب جدی مواجه کند. همچنین باید سوابق تاریخی جمعیتی را هم بررسی کرد. بلوغ سیاسی و اجتماعی جمعیت و ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی بسیار مهم است. قابلیت جمعیت جوان در هر جنبش نیز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

بنابراین یکی از کارکردهای مهم رهبر انقلاب، استقرار نظام سیاسی جدید است. هر قدر آرمان انقلابی اصیل‌تر و رهبری دارای وحدت بیشتر باشد، بنیادگذاری سامان سیاسی نوین نیز سریع‌تر صورت خواهد گرفت. در واقع، الگوی رهبری در انقلاب اسلامی علاوه بر تفاوت‌های مختلف در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و بسترسازهای انقلابی، در انقلاب اسلامی رهبری دارای پشتوانه اجتماعی و مردمی قوی بود. لذا مشخص می‌شود که همه نهضت‌ها و انقلاب‌ها در دنیا دارای رهبرانی خاص و با اشکال مختلف بوده‌اند. مسئله رهبری در تأسیس، تثبیت و تداوم نظام سیاسی در انقلاب هر کشوری نقش مهمی در سرنگونی رژیم پیشین و تأسیس و استقرار نظام سیاسی جدید دارد. همچنین لازم است در فرایند نظام‌سازی مردم و رهبران جنبش در کنار یکدیگر باشند. در انقلاب اسلامی مردم و رهبران انقلاب در کنار یکدیگر حرکت می‌کردند (قاسمی، ۱۳۹۸).

۶. تمدن‌سازی

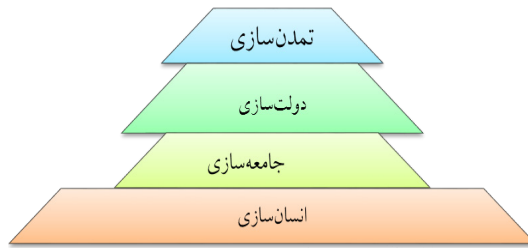
تمدن‌سازی آخرین مرحله حرکت نهضتی با اهداف و آرمان‌های جهانی و بشری است و در صورتی‌که زیرساخت‌های لازم در هر دو بُعد ابزاری و سخت‌افزاری (علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ) و به‌ویژه نرم‌افزاری و سبک زندگی (مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب

و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزندان، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مأموس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه) مناسب و متناسب با فطرت انسانی را بنا نهاده باشد، مورد اقبال و استقبال سایر ملل قرار می‌گیرد و از این طریق می‌تواند تمدن نوینی را بر پایه آزادی و عدالت و استقلال و امنیت بر پا نهد. این مهم البته مهم‌ترین مأموریت نهضتی در عرصه بین‌الملل است که بار اصلی آن بر دوش نسل جدید و جوان تربیت‌یافته با ارزش‌های الهی و انسانی و به‌ویژه نخبگان فکری و دانشگاهی است.

این مسئله البته تفاوت اساسی دارد با آنچه قدرت‌ها درباره بشریت فکر می‌کنند و عمل می‌کنند: این به معنای تصرف سرزمین‌ها نیست؛ این به معنای تجاوز به حقوق ملت‌ها نیست؛ این به معنای تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملت‌ها نیست؛ این به معنای عرضه کردن هدیه الهی به ملت‌هاست، تا ملت‌ها با اختیار خود، با انتخاب خود، با تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند. راهی که امروز قدرت‌های جهان ملت‌ها را به آن راه کشانده‌اند، راه غلط و راه گمراهی است. این وظیفه امروز ماست (<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2634>).

مسئله است که تمدن‌سازی عینیت بخشیدن به ارزش‌های بلند و بالای انسانی چون آزادی و عدالت در کنار تأمین معیشت عمومی است و تمدنی را به جهانیان عرضه می‌دارد که تجسم خیرخواهی و سعادت برای تمام انسان‌ها فارغ از هر رنگ و نژاد و مذهبی است. این مهم البته بر اساس شاخص‌ها و الزامات زیست‌بوم هر منطقه معنا و هویت خاصی پیدا می‌کند که مبنای عقلانیت راهبردی رهبران انقلابی با پشتوانه فکری و عقیدتی اصحاب خرد و اندیشه خواهد بود. فراموش نشود که انسان‌سازی مقدم بر جامعه‌سازی است و جامعه‌سازی نیز مقدم بر دولت‌سازی. با این سه پایه اساسی، بدون وجود دو عنصر کلیدی یعنی «رفاه ملی» و «عدالت اجتماعی»، هیچ تمدن جدیدی شکل نخواهد گرفت مگر بر اساس توهم و خیال باطل.





شکل ۲: مراحل تمدن سازی

جمع بندی

تصور غالب در میان بسیاری از علاقه‌مندان به حوزه روابط خارجی و بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران این است که تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تنها در وزارت امور خارجه انجام می‌پذیرد و کاربست سیاست خارجی نیز در همین مجموعه به اجرا گذاشته می‌شود؛ در حالی که وزارت خارجه نه تنها صرفاً یکی از نهادهای ذی‌ربط، تأثیرگذار و نقش‌آفرین در این عرصه است، بلکه حتی در بسیاری از حوزه‌ها به دلیل جنس و ماهیت مأموریت و حساسیت مسئله، نقش چندان تعیین‌کننده‌ای ندارد؛ به‌گونه‌ای که تصمیم‌گیری و اجرای آن خارج از ساختار وزارت خارجه صورت می‌پذیرد. طبعاً یکی از حوزه‌های مهم و راهبردی در حوزه سیاست خارجی و امنیتی کشور مسئله مقاومت و دیپلماسی نهضتی است که به کلی خارج از ساختار رسمی وزارت امور خارجه و با محوریت و مسئولیت نهاد انقلابی و حاکمیتی به نام نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تصمیم‌گیری و اجرا می‌شود. اساساً سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌خصوص نیروی قدس به دلیل تعهد ذاتی و مسئولیت قانونی حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی و پیشبرد آرمان‌های انقلاب در سطح منطقه‌ای و جهانی، نقش برجسته و بارزی در سیاست خارجی ایفا می‌کند؛ کماینکه سیاست خارجی امنیت‌محور به دنبال تهدیدهای امنیتی که از آغاز پیروزی انقلاب، نظام اسلامی و ملت ایران را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته، چنین نقشی را برای سپاه اجتناب‌ناپذیر کرده است. درست به همین دلیل نیروی قدس سپاه نقش ویژه و تعیین‌کننده‌ای را در مدیریت و مهار تهدیدها، افزایش توان بازدارندگی منطقه‌ای و تقویت عمق‌بخشی انقلاب اسلامی در مناطق مختلف ایفا کرده است.



به‌طور کلی سیاست خارجی انقلاب اسلامی بر پایه دو اصل ثابت قرار دارد: از یک طرف مبارزه با افراط‌گرایی و فرقه‌گرایی و از طرف دیگر کمک به جنبش‌های ضدامریکایی و ضدصهیونیستی و دولت‌های حامی مقاومت در سراسر جهان. به‌عبارت‌دیگر عمق‌بخشی خارجی و افزایش توان بازدارندگی کشور دو هدف راهبردی سپاه در عرصه سیاست خارجی است که نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با زور اجرایی، موتور محرک و پیشران اصلی پیشبرد اهداف مذکور است و در این خصوص تمامی دستگاه‌های امنیتی و دیپلماتیک کشور با هماهنگی با هم عمل می‌کنند.

به‌هرحال دیپلماسی نهضتی با راهبرد مشخص و ره‌نگاشت اقدامی و عملیاتی روشن توانسته است در گام اول انقلاب کارهای بزرگ و اقتدارآفرینی را در حوزه امنیت و روابط خارجی در عرصه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به منصفه ظهور برساند و این حرکت در گام دوم انقلاب با گسترش جغرافیای مقاومت به اقصی نقاط جهان ان‌شاءالله محکم‌تر و استوارتر از گذشته تا آزادسازی قدس شریف، خروج بیگانگان از منطقه و شکل‌گیری نظام‌های مردمی بر محور و مدار مقاومت تداوم خواهد داشت.



منابع

الف) منابع فارسی

- قرآن مجید.

- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۶). در جست‌وجوی راه امام از کلام امام، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- _____ (۱۳۶۸). تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- _____ (۱۳۷۸). صحیفه امام، ج ۶، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۲۰ و ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- آلیستر، مک‌گراث (۱۳۸۴). درسنامه الهیات مسیحی، ترجمه بهروز حدادی، قم، مرکز ادیان و مذاهب، ج ۱.

- افتخاری، اصغر و دیگران (پاییز ۱۳۹۶). «ظرفیت‌سنجی نظریات روابط بین‌الملل در عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی (با تأکید بر نظریه سازه‌نگاری)». فصلنامه آفاق امنیت، س ۱۰، ش ۳۶.

- ایزدی، بیژن (۱۳۸۱). درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، انتشارات بوستان کتاب قم.

- بی‌نا (۱۳۸۴). صدور انقلاب از منظر امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره).

- جمعی از نویسندگان (۱۳۶۷). کلیاتی درباره الهیات رهایی‌بخش (مجموعه مقالات)، ترجمه لیلی مصطفوی، تهران، مؤسسه بین‌المللی کتاب.

- زارعی، سعدالله (۲۲ دی ۱۳۹۴). مبانی و دستاوردهای دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

- صفوی، سیدیحیی (۱۳۹۲). جزوه درسی (منتشر نشده) عمق‌بخشی، دوره دکتری مطالعات بین‌الملل دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران.

- عبائی، محمود (شهریور ۱۳۹۰). «الهیات رهایی‌بخش»، دسترسی در:

<http://drabae.com/?p=235>

- قادری کنگاوری، روح‌الله (بهار ۱۳۹۲). «نظریه مقاومت در روابط بین‌الملل: رویکرد ایرانی-اسلامی نفی سبیل و برخورد با سلطه». مجله علمی-پژوهشی سیاست دفاعی، ش ۸۲.

- _____ (۱۳۹۴). نظریه مقاومت و نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل، تهران، نشر مخاطب.

- _____ (۱۳۹۵). جنبش نودون‌درصدی اشغال وال استریت: ماهیت و پیامدها، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.



- _____ (۱۳۹۸). مقاومت و دیپلماسی نهضتی: تحولات، فرصت‌ها و چالش‌ها، تهران، دانشگاه جامع امام حسین(ع).
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۸). طراحی راهبردهای نهضتی در پرتو گفتمان انقلاب اسلامی، تهران، مرکز باقر العلوم(ع).
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۵). تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
http://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution
- کریم‌زاده، علی (۱۳۹۴). «مدیریت روندهای اجتماعی برای تبدیل آنها به جنبش‌های اجتماعی»، گزارش راهبردی مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- کوهن، جین و دیگران (۱۳۸۶). فهم و مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید، ترجمه علی حاجلی، تهران، جامعه و فرهنگ.
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۰). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میرقادری، سیدفضل‌الله و حسین کیانی (تابستان ۱۳۹۱). «بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن»، فصلنامه ادبیات دینی، دوره ۰۱، ش ۱.

ب) منابع انگلیسی

- Ghaderi Kangavari, Rouhollah. "The Complex Relationship among Troika of Religion, Science and Politics: From an Islamic Perspective", *Burhan Journal of Qur'anic Studies*, vol 02, no. 01, 2017, Available at: www.academicpress.org
- Ghaderi Kangavari, Rouhollah, "The Complex Relationship among Troika of Religion, Science and Politics: From an Islamic Perspective", in: *Science and Religion: Synergy not Skepticism*, The Health Science Publisher, JAYPEE, 2018.

ج) منابع اینترنتی

- <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n2837/>
- <http://farsi.khamenei.ir/sahifeh-content?id=14774>
- <http://farsi.khamenei.ir/newspart-print?id=17269&nt=2&year=1390&tid=2634>



- <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1145>
- <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=9034>
- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21741>
- https://fa.wikipedia.org/wiki/نیروی_قدس_سپاه_پاسداران_انقلاب_اسلامی/
- <https://www.mashreghnews.ir/news/78963/> - مأموریت - نیروی - قدس - به - روایت - فرمانده - کل

قوا



